



خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال پنجم، شماره چهل و نهم، مهر ۱۳۹۷

مراسم بزرگداشت هفته دفاع مقدس
دکتر قبادی: باید با دیدگاهی استراتژیک، ملی و تاریخی با «الگوی پایه پیشرفت» مواجه شویم
انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
امضای تفاهم‌نامه با بنیاد ایران‌شناسی اتریش
مراسم آغاز سال تحصیلی جدید
گزارش «نشست مشترک مرکز اسناد فرهنگی آسیا و کمیسیون ملی یونسکو»
بزرگداشت روز مولانا
رونمایی از نسخه جدید پرتال جامع علوم انسانی
رونمایی و معرفی کتاب «تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک داستان»
گزارش «نشست کارگروه تدوین دومین برنامه راهبردی پژوهشگاه»

سخنرانی‌ها و نشست‌های علمی

بازشناسی مفهوم وحدت در دیدگاه امام علی (ع)
چالش‌های خانواده در حوزه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی
ارزیابی سیاست‌های حوزه آسیب‌های اجتماعی
منطق در تفکر اسلامی
بررسی مسائل مرتبط با «انگ و بیماری»
رویکرد ژانری در مطالعات تاریخ ادبی
بررسی جایگاه نرخ تورم مصرف‌کننده در نظام آماری کشور
نقدی بر ترجمه کنایات در نهج‌البلاغه
پژوهش، خلق و نشر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان
علوم انسانی، تولید و صنعت؛ از نگاه سیاست، حقوق و تاریخ

انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

هیأت رئیسه و جمعی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، روز شنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۹۷ با حضور در شهر قم، پس از زیارت حضرت معصومه علیهاسلام، از برخی مراکز پژوهشی این شهر بازدید و جلسه مشترک برگزار کردند. در این دیدارها که به منظور تشریح مساعی در پیشبرد فعالیت‌های پژوهشی و اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک صورت گرفت، از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم و مرکز انجمن‌های علمی حوزه علمیه قم، و همچنین پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بازدید به عمل آمد و تفاهم‌نامه همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منعقد شد. براساس این تفاهم‌نامه، دو طرف متعهد شدند در جهت استفاده متقابل از توانایی‌های پژوهشی، فرهنگی و ... از طریق تشکیل نشست‌های مشترک اقدام و نمایندگان خود را در زمینه‌های مختلف همکاری معرفی کنند.



در این نشست دکتر حسینعلی قبادی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علیرضا ملایی (معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی)، دکتر محمود کریمی علوی (معاون فرهنگی و اجتماعی)، دکتر سیدمحمد رضا امیری تهرانی‌زاده (مدیر امور پژوهشی)، دکتر یحیی فوزی (مدیر گروه پژوهشی روابط بین‌الملل)، دکتر جان ... کریمی مطهر (دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی) و دکتر عباس خلجی (معاون دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی) از طرف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دکتر آیت ... حسن آقا نظری (رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، دکتر عبدا... توکلی (معاون پژوهشی و آموزشی و قائم مقام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، دکتر محمد شجاعیان (معاون منابع انسانی و توسعه)، فرهاد سلطانی (معاون مدیر پژوهشی)، مهدی غلامی (مسئول دفتر همکاری‌های علمی) از طرف پژوهشگاه حوزه و دانشگاه حضور داشتند.

در ابتدای این نشست دکتر قبادی با اشاره به برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه گفت: «ما در تلاش هستیم در راستای تحقق اهداف این برنامه با پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های علوم انسانی حوزوی ارتباط نزدیکی برقرار کنیم تا با توجه به شرایط جامعه بیش از پیش بتوانیم بر مشکلات فائق آئیم و اثرگذاری علوم انسانی را محقق کنیم».



دکتر قبادی تأکید کرد: «خوشبختانه زمینه های همکاری دو پژوهشگاه زیادند مخصوصاً اینکه، در پژوهشگاه «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» و «طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» ظرفیت های بسیار بالایی برای همکاری دارند که با معرفی نمایندگان مربوط باید به عملیاتی شدن همکاری ها سرعت بیشتری بدهیم بسترهای پشتیبانی و فعالیت های علمی دوجانبه را فراهم سازیم».

در ادامه دکتر حسن آقا نظری، رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، با اشاره به فلسفه وجودی این پژوهشگاه گفت: «فلسفه وجودی ما در این پژوهشگاه توجه به رشته های علوم انسانی است و در شرایط فعلی، ما باید در جهت رفع مشکلات علوم انسانی گام هایی اساسی برداریم».

حجت الاسلام والمسلمین حسن آقا نظری تأکید کرد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۵۰ نفر عضو هیأت علمی دارد که حدود ۴۵ کتاب نیز تا پایان سال ۹۷ منتشر می کنیم، ما می توانیم همکاری خوب و نزدیکی با هم داشته باشیم و زمینه های پیشرفت علوم انسانی را فراهم سازیم».

در ادامه دکتر قبادی و هیأت همراه با حضور در معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم، با حجت الاسلام و المسلمین سیدحسین میرمعزی (معاون پژوهشی مرکز مدیریت حوزه های علمیه) و حجت الاسلام والمسلمین عبدالرسول هاجری (دبیر انجمن ها و قطب های علمی حوزه های علمیه) در زمینه همکاری های دوجانبه به بحث و تبادل نظر پرداختند و با تأکید بر تفاهم کلی پیرامون زمینه های مشترک همکاری، مقرر شد نشست های مشترک دوجانبه تداوم داشته باشد.

همچنین مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بازدید از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم به عمل آوردند. در این دیدار که با حضور حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دیگر مسئولان این پژوهشگاه برگزار شد، دو طرف بر کاربردی کردن هرچه بیشتر آثار تولید شده دو پژوهشگاه تأکید کردند و مقرر شد نمایندگانی از سوی دو طرف برای برقراری هرچه سریع تر زمینه های همکاری معرفی شوند.



امضای تفاهم‌نامه با بنیاد ایران‌شناسی اتریش

روز سه شنبه، سوم مهرماه ۹۷ تفاهم‌نامه همکاری علمی و پژوهشی بین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و بنیاد ایران‌شناسی اتریش منعقد شد. دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پروفسور شوارتز رئیس بنیاد ایران‌شناسی اتریش و دبیر انجمن ایران‌شناسی در اروپا، این تفاهم‌نامه را به امضاء رساندند. دکتر قبادی با اشاره به وجود شاخص‌های تمدن انسانی در شهرهایی چون زنجان، زابل، جیرفت و ...، گفت: «به دلیل قدمت فرهنگ و تمدن ایرانی، علاقمندیم با تمام کشورها ارتباط داشته باشیم و امیدواریم با اجرای پروژه‌های مشترک و برگزاری همایش‌های مختلف بتوانیم همکاری دوجانبه‌ای داشته باشیم».

قبادی افزود: «ما حتی علاقمندیم با توجه به حسن نظر پروفسور شوارتز، ایشان واسط ما برای ارتباط با دستگاه‌های آکادمیک و تمدن‌پژوهی با سایر کشورها شوند. ما آمادگی داریم شعبه‌ای در قالب ایران‌شناسی در اتریش داشته باشیم و بتوانیم با دانشگاه‌ها و آکادمی‌های اروپایی نیز تعامل و همکاری داشته باشیم».

در ادامه پروفسور شوارتز با ابراز خرسندی از حضورش در پژوهشگاه، گفت: «شهر وین به عنوان اولین شهر اروپایی که نمایشگاهی از تمدن ایرانی داشته، همواره روابط حسنه‌ای با ایران داشته است. استادان پژوهشگاه می‌توانند در پروژه‌های پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی اتریش مشارکت نمایند و پیشنهادهای پژوهشی خود را برای ما ارسال کنند».

پس از صحبت‌های پروفسور شوارتز، دکتر عاصی، دکتر علوی کریمی، دکتر محمدنژاد، دکتر حسینی‌فر پیشنهادهایی را در خصوص زمینه‌های همکاری با آکادمی علوم اتریش مطرح کردند.



بزرگداشت هفته دفاع

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مراسم بزرگداشت هفته دفاع مقدس طی نشست با موضوع «ارزیابی سینما دفاع مقدس» در روز سوم مهرماه ۹۷ در سالن حکمت برگزار شد. در ابتدای این مراسم دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با گرامیداشت هفته دفاع مقدس و با اشاره به حادثه اهواز و تسلیت به خانم بدوی از همکاران پژوهشگاه که یکی از اقوام خود را در این حادثه از دست دادند، گفت: «تروریست‌هایی که اخیراً جنایت اهواز را مرتکب شدند، همچون صدامیان عمل کردند. مردم بی‌سلاح و زن و بچه بی‌گناه، بدون منطق ترور شدند. ایران به دلیل اینکه در منطقه استراتژیک قرار گرفته، همواره در طول تاریخ مورد حمله و تجاوز بوده است.»



دکتر قبادی ادامه داد: «یکی از ویژگی‌های اسطوره فرا زمان و فرا مکان بودن آن است. منظور من، وجه ادبیت اسطوره و جوهره زیبایی‌شناسی است که اسطوره‌ها با خود دارند، یعنی ظرفیت خالص زیبایی‌شناسی و عناصر نمادین در متن‌های اسطوره‌ای جای می‌گیرد. یک متن وقتی اسطوره می‌شود که توسعه زمانی و مکانی پیدا می‌کند. دفاع مقدس ما و مخصوصاً سرچشمه آن یعنی ادبیات عاشورا چنین بعد فرازمانی و فرامکانی پیدا کرده است.»

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأکید کرد: «مرحوم حسین منزوی در شعر خود می‌گوید؛ گویی عاشورا با ایده‌ها و آرمان‌های ایرانیان پیوند خورده است. جنگ و دفاع مقدس هم نشان داد که بعد مهم آن صیانت از ارزش‌هاست و پیوند با دیانت خورد و در روح ادبیات دفاع مقدس ارزش‌های ایرانی و اسلامی در پیوند با یکدیگر قرار گرفتند، به طوری که ناگسستنی هستند. بنابراین پاسداشت دفاع مقدس، پاسداشت این ارزش‌ها نیز هست.»

در ادامه مراسم محمدتقی فهیم، از منتقدین مطرح سینما، به ارائه دیدگاه خود در مورد سینمای دفاع مقدس پرداخت و اظهار داشت: «سینمای دفاع مقدس متولد انقلاب اسلامی است. پیش از انقلاب این نوع فیلم را نداشتیم. تنها دو، سه فیلم در بستر جنگی ساخته شد. بنابراین این نوع سینما با شروع جنگ متولد شد. فیلم‌های اولیه‌ای هم که در ابتدا ساخته شد، بیشتر ویژگی‌های هالیوودی داشتند و سطحی‌نگر بودند.»

وی تأکید کرد: «از زمانی سینمای دفاع مقدس با ویژگی‌های خاص خود متولد شد که بچه‌های حزب‌اللهی و مذهبی با دوربین به جبهه رفتند، مثل مرحوم ملاقلی‌پور و حاتمی‌کیا و دیگران. فیلم‌هایی که اینها ساختند هم دارای مؤلفه‌های ارزش‌های اسلامی و ایرانی بودند هم به خوبی با مردم ارتباط برقرار کردند. آنچه که از آن زمان تاکنون چالش این نوع سینماست این است که؛ فیلم‌هایی که ساخته می‌شود هم باید قواعد سینمای جنگ دنیا را داشته باشد، هم بتواند مخاطب را جذب کند و هم ویژگی‌های ارزشی دفاع مقدس را با خود داشته باشد. یعنی همزمان قهرمان، تعلیق، اکشن و در نهایت یک پایان‌بندی فکورانه. این نوع سینما



هنوز جا نیفتاده است».

این منتقد سینمایی در ادامه افزود: «ما تقریباً ۲۵۰ فیلم جنگی بعد از انقلاب ساختیم، اما بعید است بتوان بیش از اسم دو یا سه فیلم را آورد که در این حوزه قابل توجه باشد. چرا که مشکل این سینما همان چیزی است که در سینمای ایران کم بوده است. تنها چند فیلمساز بودند که بین قواعد ژانر سینمای هالیوودی و سینمای ارزشی دفاع مقدس و پیوندهای فرهنگی ایران پل زدند. این ارزش‌ها مواردی چون نماز و دعای رزمندگان قبل از عملیات‌ها هست و یک فیلمساز دفاع مقدس نمی‌تواند به آن بی‌توجه باشد. گفتمانی که حاکم بود باید مورد توجه قرار گیرد. اساساً سینمای دفاع مقدس ایران تفاوتش با سینمای جنگ دنیا همین جا و همین نکته است. اگر این را نداشته باشد مثل فیلم‌های هالیوود می‌شود».

وی خاطر نشان کرد: «اما این‌ها راه به جایی نبردند و متأسفانه آن چیزی که حاکم شد آن بخشی از سینماست که تحت عنوان روشنفکران و یا شبه روشنفکران در سینمای ایران حاکم شد. آنها سینمای دفاع مقدس ایران را به سمت و سوی دیگری هدایت کردند. کجا این اتفاق افتاد؟ از سال ۱۳۷۶ با تغییراتی که در جامعه ایران صورت گرفت و مخالفت‌هایی که با سینمای دفاع مقدس صورت گرفت، این تفکر جا افتاد. ما تا سال ۷۶ سال ۱۵ تا ۱۶ فیلم دفاع مقدس تولید کردیم اما به محض تغییرات سیاسی و جابه‌جا شدن مدیریت فرهنگی کشور، با این توجیه که سینمای دفاع مقدس مخاطب ندارد و کسی این نوع سینما را نمی‌بیند و از لحاظ هزینه هم ساختن این نوع فیلم‌ها توجیه ندارد، عملاً ساختن این نوع فیلم‌ها از گردونه سینمای ایران خارج شد. یعنی از سال ۸۰ تا ۸۳ تولید فیلم‌های دفاع مقدس به صفر رسید. اما این شعار واقعی نبود، چون حداقل ۴ فیلم از پرفروش‌ترین فیلم‌های ایران تا آن زمان مربوط به فیلم‌های دفاع مقدس بود، از کانی‌مانگای مرحوم «داد» تا اخراجی‌ها. بنابراین ادعای عدم فروش این نوع فیلم‌ها درست نبود. البته مردم فیلم‌های نازل این نوع سینما را طبیعتاً نمی‌بینند و پس می‌زنند».

وی افزود: «از سال ۸۳ دوباره التفاتی به این سینما انجام شد. نهایت اینکه به امروز رسیدیم. نکته مهم این است که هم اکنون هم این نوع فیلم‌ها در کل دنیا فروش بسیار بالایی دارد. این نوع فیلم‌ها به دلیل فراگیری ژانرش همواره می‌تواند همه مردم را مخاطب خودش قرار دهد اما متأسفانه هنوز هم دیدگاه مقابل این تبلیغ می‌شود».

در ادامه «دیندار» از مستندسازان سینمای دفاع مقدس با اشاره به حادثه غم‌انگیز تروریستی در اهواز، گفت: «من در ابتدای جنگ در اهواز بودم. در آن زمان دشمن تصور می‌کرد که مردم از اهواز فرار می‌کنند که کارشناسان معتقد بودند که اگر مردم اهواز شهر را خالی می‌کردند، اهواز و بلافاصله خوزستان به دست آنها می‌افتاد. دشمن بعد از سال‌ها این حماقت را در اهواز در همان سالگرد جنگ تکرار می‌کند، در صورتی که اگر مردم آن زمان مقاومت کردند، الان هم ایستاده‌اند».

وی در مورد فیلم‌های دفاع مقدس هم خاطر نشان کرد: «آقای فهیم در بحثشان اشاره به وجود قهرمان در ژانر سینمای دفاع مقدس کردند. من اخیراً مستند سینمایی کار کرده‌ام با عنوان «قهرمان من کو؟». در این مستند تحقیق کردیم که در دنیا به ویژه آمریکا که تاریخ ۵۰۰ ساله دارند، اینها هیچ وقت قهرمان واقعی نداشته‌اند. لذا، شخصیت‌هایی مثل سوپرمن، بت‌من و مرد عنکبوتی را در سینما خلق می‌کنند تا از این طریق برای کودکان آمریکا و کودکان دنیا اسطوره‌سازی کنند. بعد ما به عنوان ملتی که سابقه چندین هزار ساله داریم و اسطوره‌های مختلفی اعم از اسطوره‌های مذهبی و اساطیری و مقدس در طول تاریخ داشته‌ایم، به آن نپرداختیم. سینمای ما از این واقعیت غافل است. یعنی سینمای ما به سمتی رفته است که طیف روشنفکری ادعا می‌کند که ما قهرمان نیاز نداریم. در صورتی که ملتی که قهرمان نداشته باشد رو به شکست خواهد رفت».

این مستندساز تأکید کرد: «اگر آمریکا می‌آید قهرمان می‌سازد، چون می‌داند اگر قهرمان سازی نکند، به عنوان ملتی بدون پشتوانه تاریخی، محکوم به شکست است. ولی ما از این قهرمان‌های تاریخی استفاده نمی‌کنیم. تحت تأثیر سینمای اروپا قرار گرفته‌ایم که یک سینمای خنثی است. من از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به طور جد می‌خواهم که این پیوند را با سینما حفظ کنند. یعنی اسطوره‌ها را شناسایی کرده به سینماگران ما معرفی کنند. سینماگران ما متأسفانه دچار فقر فرهنگی و پژوهشی شدند و شما با این اقدام می‌توانید حداقل دوستان سینماگر را بیدار کنید تا بتوانند انشاءالله از این قهرمان‌ها استفاده داشته باشند».

وی در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: «ما در تحقیقاتی که در زمینه فیلم دفاع مقدس داشتیم، فهمیدیم «مردم» در این نوع سینما مغفول هستند. ما هم قهرمان فردی داریم و هم قهرمان جمعی. یکی از خصوصیات مردم ایران، داشتن قهرمان جمعی است. مردم یک شهر که شهر را در هنگام حمله ترک نمی‌کنند، قهرمان جمعی هستند و این در سینمای ایران مغفول است».

در ادامه این مراسم تعدادی از حضار سؤالات خود را پیرامون سینمای دفاع مقدس مطرح کردند. آقای فهیم در پاسخ به این سؤالات تصریح کرد: «سینما کار سختی است و برای همین هم جذاب‌ترین و تأثیرگذارترین هنر است. به قول لنین، من همه تسلیحات جهان را می‌دهم و فقط سینما را به من بدهید. البته به نظر من حضور دولت در سینما یکی از مفسده‌انگیزترین موارد در این سال‌ها بوده است و اساساً نمی‌تواند سینما دولتی باشد. در حین حال نمی‌توان دولت را از سینما به خصوص سینمای دفاع مقدس جدا کرد، چرا که این سینما نیاز به هزینه و سرمایه سنگین دارد. لذا معتقدم دولت باید در زیرساخت‌ها کار کند نه در تولید. آن اشکال و فساد که ایجاد شده، این است که دولت وارد حوزه تولید شده است. اما اینطور نیست که اگر دولت از سینما جدا شود و بخش خصوصی بیاید، لزوماً بتواند فیلم‌های خوبی در حوزه دفاع مقدس بسازد. ضمن آنکه در هیچ جای دنیا،



دولت برای حفظ ارزش‌های ملی خود کنار نکشیده است، چنانکه در فرانسه و آمریکا هم همین گونه است. وی در پاسخ به انتقادات ورود دولت به عرصه سینما افزود: «من فکر می‌کنم بخشی از این تبلیغاتی است که از سوی افرادی که سینما را در سینمای لاغر اجتماعی دختر و پسر و شبه روشنفکری محدود کرده‌اند، صورت می‌گیرد. مثلاً تبلیغ می‌کنند که حاتمی‌کیا تبدیل به سینماگر دولتی شده است».

فهمیم خاطرنشان کرد: «البته تعدادی از سینماگران در این سال‌ها پول از برخی نهادها گرفتند ولی با آن کار دیگری کردند و در نهایت فیلم ضعیفی هم ساختند که قابل دیدن نیست. در صورتیکه این نهادها باید در ساخت این فیلم‌ها حمایت لجستیکی کنند و امکانات در اختیار آنها بگذارند نه اینکه مستقیم پول بدهد. پول دادن مستقیم به سینماگران باعث ایجاد باند و رانت می‌شود و مفسده انگیز است. دولت یا حاکمیت باید در کنار فیلمساز قرار گیرند و حمایتش کنند».

وی در مورد دوری سینمای دفاع مقدس از واقعیت هم اظهار داشت: «مرحوم مددپور می‌گفت فیلم‌های زیادی در حوزه دفاع مقدس ساخته می‌شود که از حقیقت دور هستند. یعنی این مشکل جدی سینمای دفاع مقدس است. سینمای دفاع مقدس ما الان اسیر دو جریان است. یک جریان اصلی که این سینما را از درون تهی می‌کند و با حقیقت فاصله دارد. یعنی به دنبال این است که از موضوعات بسیار کوچک اجتماعی استفاده کند و آن را به جامعه تعمیم دهد و آن را تبدیل به یک درامی کند که خوشایند مخاطبین خارجی است که مخاطبین خاص هستند نه مخاطبین عام جهانی، چرا که اساساً ما مخاطب عام جهانی نداریم. یعنی هنوز نتوانسته‌ایم فیلم‌هایی بسازیم که مخاطبین عام برای آن پول خرج کنند. عمدتاً فیلم‌هایی با مخاطبان خاص جشنواره‌ای است. در کنار آن سینمای شبه روشنفکری دفاع مقدس داریم که اغلب به حاشیه‌های دفاع مقدس می‌پردازد».

وی در خاتمه در مورد آینده سینمای دفاع مقدس، گفت: «اگر سینمای دفاع مقدس بتواند از بودجه‌های مستقیم دولتی فاصله نگیرد و از سوی دیگر متکی به مخاطب داخلی نباشد و در کنار آن جذابیت‌های روز دنیا را فراموش کند و به دنبال پیام‌دهی مستقیم باشد، این سینما همچنان از خانواده‌های ایرانی فاصله خواهد داشت. به دلیل همین فقدان پژوهشی که وجود دارد، پیوند سینما با بطن مردم کم شده و فاصله گرفته و به لایه‌هایی از طبقه متوسط اختصاص پیدا کرده است و آن هم نه همه طبقه متوسط. سینما فراگیر نیست. چون ما سالن سینما نداریم، فیلم برای همه مردم ایران ساخته نمی‌شود. بنابراین فیلمساز هدف خودش را بر لایه‌هایی از طبقه متوسط متمرکز کرده است. در نتیجه تنوع در فیلم‌ها به طور کلی و فیلم‌های دفاع مقدس به طور خاص وجود ندارد».



باید با دیدگاهی استراتژیک، ملی و تاریخی با «الگوی پایه پیشرفت» مواجه شویم

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دویست و شصت و چهارمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه روز ۲۵ مهر ماه ۹۷، با حضور اعضاء تشکیل شد. در ابتدای جلسه دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پس از عرض تسلیت به مناسبت سالروز شهادت امام حسن مجتبی (ع) با اشاره به ابلاغ «الگوی پیشرفت ایران در پنجاه سال آینده» از سوی مقام معظم رهبری، گفت: «درباره الگوی پایه پیشرفت کشور می توان از زوایای مختلفی بحث کرد؛ اما آنچه بیشتر با پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نسبت برقرار می کند این است که در کشور با تمام گرفتاری ها، موانع و ضعف هایی که داریم و با توجه به اینکه، از رنج و تعب مردم در حوزه های اقتصادی هم آگاهی داریم؛ ابلاغ این الگوی پایه نشان دهنده یک حقیقت مهم برای علوم انسانی به ویژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است و آن اینکه باور به علوم انسانی به سمت «گفتمان» پیش می رود، یعنی باور داریم با منطق، علم، دانش، تحقیقات و فرهنگ پژوهش می توانیم مسائل و مشکلات را از پیش روی برداریم».

دکتر قبادی همچنین تأکید کرد: «حالا وظیفه ما اهالی علوم انسانی است که بیش از پیش در این زمینه ها احساس مسئولیت کنیم. خدا را شکر می کنیم که دورانی که کارآمدی علوم انسانی از سوی برخی زیر سؤال می رفت، سپری شده و اکنون همه باور داریم علوم انسانی می تواند راهگشا، سرمشق و الگوی توسعه باشد و چشم اندازها و افق های توسعه را روشن کند. خوشبختانه همه مسئولین از شخص مقام معظم رهبری تا دیگران، این باور را متجلی می کنند. بنابراین برای ما اصحاب علوم انسانی، به ویژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فرصت بسیار خوبی است تا ظرفیت و توانایی های نهاد پژوهشگاه را بیشتر از گذشته وقف پیشرفت کشور کنیم».

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه از اعضای شورای پژوهشی خواست حتماً «الگوی پیشرفت ایران در پنجاه سال آینده» را بررسی کنند و تأکید کرد: «ممکن است ما با برخی افراد و نهادها مشکلات و اختلاف سلیقه هایی داشته باشیم، اما اصل و معیار این است که رهبری نظام از همه دعوت می کنند الگوی پیشرفت کشور را مورد ارزیابی قرار دهند. بنابراین ما باید با دیدگاهی استراتژیک، ملی و تاریخی احساس مسئولیت کنیم و به دنبال فرصت آفرینی باشیم. چرا که این موضوع، یعنی روی آوردن به اینکه کشور برای پیشرفت نیاز به الگو دارد، یک فرصت عالی برای علوم انسانی است و دیگر نمی توانیم بهانه بیاوریم که مهندسان یا پزشکان دست و دهانمان را بسته اند، بلکه میدان برای فعالیت و ابراز وجود باز است».

دکتر قبادی تأکید کرد: «اکنون در دنیای جدید، تمام جهان خودش را بازخوانی و خلأهایش را پیدا می کند و این مزیت ایرانی است که به فرهنگ، آداب و رسوم و گنجینه عظیم آن توجه کند و از شما تقاضا دارم نقدهای اساسی در این زمینه به نام خود و پژوهشگاه منتشر کنید، حتی می توانیم با هماهنگی مدیران مرکز ایرانی-اسلامی پیشرفت، نشست های مشترک مفیدی هم برگزار کنیم. برنامه دوم توسعه پژوهشگاه هم باید با این الگوی پایه پیوند بخورد و لازم است نشان داده شود که علوم انسانی می تواند بیش از این به اصلاح و بهبود شرایط جامعه کمک کند و با در نظر گرفتن ویژگی دانشگاه های نسل سوم و چهارم وارد عمل شود و مداخله اثرگذار و مشارکت خوبی در اصلاح سیاست گذاری ها داشته باشد».

رئیس پژوهشگاه همچنین ابزار امیدواری کرد: «با توجه به مسائل جهانی و داخلی، مسئولین هم بیشتر از گذشته شنونده سخنان و نقدهای ما باشند تا همه بیشتر از گذشته بتوانند مؤثر باشند چرا که شأن پژوهشگاه هم ایجاب می کند در عرصه سیاست گذاری ها و راه های کلیدی و استراتژیک نمود و اثرگذاری بیشتری داشته باشد».



هیچ عارفی به اندازه مولانا بر وحدت ادیان تأکید نکرده است



پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی هر ساله در روز بزرگداشت نام‌آوران عرصه ادبیات فارسی با برگزاری نشست‌ها و سخنرانی‌های علمی در باب اندیشه‌ها و آثار این بزرگان، تلاش می‌کند تازه‌ترین پژوهش‌ها را به مخاطبان عرضه کند. از همین روی در پانزدهم مهر ماه ۱۳۹۷ به مناسبت یادروز شاعر و عارف بزرگ ایرانی، مولانا جلال‌الدین بلخی، نشستی با حضور استاد کریم زمانی در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

استاد کریم زمانی در این سخنرانی بر چند محور از ویژگی‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی زمان مولانا اشاره کرد که جاودانگی او را در پی داشته است. این ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها از این قرار است: اول آنکه مولانا دارای شخصیتی ویژه و چند فرهنگی بود و با زبان‌های گوناگون از جمله فارسی، عربی، ارمنی، ترکی، یونانی و ... آشنایی داشت. جامعه

باز و چندفرهنگی قونیه نیز بر اندیشه مولانا تأثیری به سزا نهاده بود؛ از دیگر عوامل مهم آن است که مولانا فرهنگ گذشته را نفی نمی‌کرد؛ به طور مطلق نیز آن را تأیید نمی‌کرد؛ یعنی به فرهنگ گذشته به دور از افراط و تفریط اما منتقدانه می‌نگریست و در هاضمه فکری و روحی خود در خلق اندیشه‌ها و آثار نوینی چون مثنوی، غزلیات، فیه ما فیه و ... از آن یاری می‌جست. سوم اینکه تأثیرپذیری مثبت و سازنده مولانا از دیگر ادبا و عرفا است؛ بدین معنی که نقل کامل و تقلید تام و تمام از افکار و اندیشه‌های بزرگان در آثار مولانا نیست، بلکه رگه‌هایی از آثار، افکار و اندیشه آنان به چشم می‌آید. چهارمین عامل عجیب شدن مفاهیم بنیادین همچون خداشناسی، جبر و اختیار، انسان و عشق و ... با تجارب و سیر و سلوک شخصی مولانا است که در نهایت باعث خلق مطالبی نوین از دیدگاه خاص خود او شده است. موضوعاتی وجود دارند و حقیقت هستند اما ما آنها را نمی‌بینیم مانند بحث صورت و معنی و سفر از ظاهر به باطن یا سفر از عالم صورت به عالم معنا که همگی در آثار مولانا دیده می‌شود. دیگر آنکه مولانا در بین تحقیق و تقلید تفاوت قائل بود و بر تحقیق و واکاوی و نوآفرینی به دور از تقلید اصرار می‌ورزید.

از دیگر مباحثی که در این سخنرانی بدان پرداخته شد؛ قائل بودن مولانا به طبیعی بودن اختلاف آراء و اندیشه‌ها و تضاد و تضارب افکار و اندیشه‌ها است؛ وی به خوبی آگاه بود که جامعه بشری به واسطه همین تنوع و اختلاف و گوناگونی زیباست. مولانا بسیار بر وحدت ادیان تکیه داشت، تا جایی که به جرأت می‌توان ادعا کرد، هیچ عارفی به اندازه مولانا بر وحدت ادیان تکیه و تأکید نکرده است. همچنین قدرت بیان مولانا در چگونه گفتن‌هایش و نه فقط در چه گفتن‌هایش، خود باعث بی‌همتایی او در عرصه ادبیات شده است. بر همین اساس وی پیوسته با زبان تمثیلی شگفت‌انگیز خود، به خلق و نوآفرینی در بیان مفاهیم پرداخته است. استاد کریم زمانی در پایان و به‌عنوان نمونه، درباره جزر و مدی بودن امور عالم از نگاه مولانا سخن گفت که در قالب داستان‌هایی تمثیلی بسیار شیوا بیان شده است.

در پایان نشست، حضاران جلسه به طرح سؤالاتی از استاد کریم زمانی پرداختند و نشست با پاسخ به این پرسش‌ها پایان یافت.



نشست مشترک مرکز اسناد فرهنگی آسیا و کمیسیون ملی یونسکو

نشست مشترک مرکز اسناد فرهنگی آسیا و کمیسیون ملی یونسکو در ایران با حضور دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دکتر حجت‌الله ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، دکتر کریمی علوی، معاون فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه و دکتر سیده مریم عاملی رضایی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا و دکتر بهمن نامور مطلق، معاون علمی دبیرکل و رئیس گروه فرهنگ و هنر کمیسیون ملی یونسکو روز سه‌شنبه، ۱۷ مهرماه در دفتر یونسکو برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر قبادی با بیان پیشینه و سابقه مرکز و جایگاه آن در ایران و کشورهای منطقه آسیا، ضمن اشاره به اهمیت و ضرورت تعامل مثبت و سازنده و گسترش همکاری‌های دوجانبه در پیشبرد برنامه‌های مشترک، اظهار امیدواری کرد؛ این تعامل و همکاری موجب رشد هم‌افزایی موجود و تقویت و پیشبرد فعالیت‌های مشترک در عرصه‌های مختلف علمی و اجرایی در راستای اهداف و برنامه‌های مرکز و کمیسیون شود. دکتر عاملی رضایی نیز با اشاره به فعالیت‌های صورت گرفته و جاری در مرکز، درباره زمینه‌های مختلف همکاری با کمیسیون ملی یونسکو در چارچوب برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه پیشنهاداتی را مطرح و سپس دکتر کریمی علوی نیز به ظرفیت‌های مختلف پژوهشگاه برای همکاری با یونسکو اشاره کرد.

دکتر ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو، با استقبال از زمینه‌های مشترک همکاری با پژوهشگاه، آمادگی کامل یونسکو را برای تداوم مثمرتر همکاری‌ها اعلام کرد. دکتر نامور مطلق نیز در ارتباط با تهیه اسناد و مدارک و تقویت سایت مرکز اسناد فرهنگی آسیا پیشنهاداتی را مطرح و بر حمایت هرچه بیشتر از فعالیت‌های مرکز اسناد فرهنگی آسیا تأکید کرد.

در این نشست مقرر شد، تفاهم‌نامه و منشور همکاری پنج‌ساله‌ای بین پژوهشگاه و کمیسیون ملی یونسکو با محورهایی از جمله: تهیه بانک اطلاعاتی اسناد و مدارک از کشورهای آسیایی با ارسال فراخوان به مراکز مطالعاتی آسیا و تبدیل سایت مرکز اسناد به سایت روزآمد و حلقه وصل مطالعات آسیایی؛ برگزاری نشست‌ها و همایش‌های مشترک مرتبط با برنامه‌های یونسکو در حوزه مطالعات آسیایی و شناساندن جایگاه ایران در کشورهای منطقه با تأکید بر مشاهیر ایرانی و معرفی آرا و اندیشه‌های آنها در حوزه‌های مطالعاتی مختلف؛ به‌ویژه درباره سهروردی و افکار و اندیشه‌های او، که در سال جاری محور برنامه سالانه یونسکو است، و... منعقد شود.

در پایان مقرر شد، کمیته مشترکی برای اجرایی شدن مفاد تفاهم‌نامه و بررسی زمینه‌های همکاری مشترک تشکیل شود تا با طرح، ارائه و بررسی راهکارهای عملی، موجب تسریع در فرایند اجرایی همکاری‌های مشترک شوند.



مراسم آغاز سال تحصیلی جدید

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید که در روز سه شنبه دهم مهرماه ۹۷ برگزار شد، ضمن گرامیداشت یاد و نام شهیدان و مجاهدان هفته دفاع مقدس و خیرمقدم به دانشجویان گفت: «خوشحالم از اینکه شما رشته علوم انسانی را برای ادامه تحصیل انتخاب کرده‌اید و ما باید به همه ثابت کنیم رشد کشور بدون علوم انسانی ممکن نیست. اکنون جهان تشنه این است که از رموز و اسرار تمدن هفت هزار ساله ایران سردر بیآورد و ما با علوم انسانی می‌توانیم مزیت ایران و ایرانی را به نسل جوان جامعه و نسل‌های آینده بشناسانیم. وی با تأکید بر اینکه پرسش‌گری روح دانشجویی است اظهار امیدواری کرد که با همدلی دانشجویان مستعد و استادان بزرگ پژوهشگاه، گامی برای ارتقاء هر چه بیشتر کیفیت‌های آموزشی و پژوهشی داشته شود و از دانشجویان خواست در این راه هیچ وقت از گفت و گو و انتقاد فاصله نگیرند و مطمئن باشند مدیران و معلمان از شنیدن حرف‌های آنها خسته نمی‌شوند».

دکتر قبادی در ادامه با اشاره به مظلومیت علوم انسانی در کشور تأکید کرد: «به منظور دفاع از کارآمدی علوم انسانی، فعالیت‌های متعددی در پژوهشگاه تعریف شده است که به عنوان نمونه در مجموعه «طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» زمینه‌های خوبی برای ابراز وجود دانشجویان مستعد و فعال پیش بینی شده است. علاوه بر این پژوهشگاه از پروژه‌های دانشجویی به شدت حمایت می‌کند». وی همچنین تأکید کرد: «در هر حال نباید از توجه به مسئله‌مندی پایان‌نامه‌ها غافل بمانیم و هر کس باید در حوزه دانش خودش به فکر حل یک مسئله، هر چند کوچک باشد».

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه گفت: «ما باید در جهت مهارت‌افزایی دانشجویان نیز کوشش کنیم و در این زمینه نیز پیش‌تاز و خط‌شکن باشیم. هر دانشجو باید بتواند یک پیوست مهارت‌افزایی در پایان‌نامه و رساله خودش ارائه دهد».

دکتر قبادی در خاتمه به دانشجویان توصیه کرد: «برای پیشرفت سریع و همه‌جانبه خود به مسائل انضباطی، برنامه‌ریزی برای آینده و هدفمندی بیش از پیش توجه کنند. وی همچنین با قدرانی از زحمات دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، مدیر پیشین تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، برای دکتر عبدالله قنبرلو در این سمت آرزوی توفیق کرد».



در ادامهٔ مراسم، دکتر ملایی پس از ذکر سابقهٔ تاریخی پژوهشگاه و گرامیداشت یاد استادان برجسته‌ای که در این نهاد فعالیت کرده‌اند، به برشمردن ظرفیت‌های ویژه پژوهشگاه پرداخت و در پایان دربارهٔ اهمیت کارهای تحقیقی و پژوهشی و به ویژه پایان‌نامه‌نکاتی را یادآور شد و دانشجویان را به ایده‌پردازی و مسئله‌مندی تشویق کرد.

دکتر کریمی‌علوی دیگر سخنران این مراسم نیز پس از معرفی معاونت فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه، به بیان کم و کیف امکانات رفاهی پرداخت و ضمن بیان کمبود این امکانات به ویژه در خوابگاه‌ها، از تلاش برای بهبود این شرایط سخن گفت.

سپس دکتر کریم مجتهدی، استاد پیشکسوت فلسفه، به دانشجویان جدیدالورود خوشآمد گفت و سخنانی در بزرگداشت علم آموزی و یادگیری ایراد کرد.

سخنران پایانی مراسم دکتر قنبرلو بود که ضمن معرفی این معاونت، برخی ضوابط اداری را برای دانشجویان خاطر نشان کرد.



سپس با حضور دکتر قبادی (ریاست پژوهشگاه)، دکتر کریمی علوی (معاون فرهنگی و اجتماعی)، دکتر ملایی (معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی) و دکتر قنبرلو (معاون تحصیلات تکمیلی) از دانشجویان برتر، شاهد و ایثارگر قدردانی شد.



رونمایی از نسخه جدید پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی، اولین و تنها بانک اطلاعاتی دارای دسته‌بندی موضوعی مقالات حوزه علوم انسانی و اسلامی است که در نسخه جدید خود، امکانات متعددی برای دسترسی بهتر مخاطبان به داده‌های علمی موجود در این بانک اطلاعاتی فراهم آورده است. این پرتال از سال ۱۳۸۹ تاکنون با هدف توزیع عادلانه، رایگان، آسان و سریع مقالات علمی و تخصصی در حوزه علوم انسانی و اسلامی، مشغول به ارائه خدمت بوده است؛ در طول هشت سال گذشته نزدیک به ۳۰۰ هزار مقاله فارسی از بیش از ۱۳۰ هزار صاحب اثر، جمع‌آوری و بازنشر داده است که قدیمی‌ترین آن مربوط به سال ۱۳۰۰ شمسی است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با راه‌اندازی پرتال جامع علوم انسانی با میزبانی از ۱۲۵۵ نشریه حوزه علوم انسانی و اسلامی که ۴۹۸ نشریه آن دارای رتبه علمی پژوهشی، ۴۸ نشریه دارای رتبه علمی ترویجی، ۲۹ نشریه دارای رتبه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد، ۲۲ نشریه دارای رتبه علمی پژوهشی حوزوی و ۱۱ نشریه دارای رتبه علمی ترویجی حوزوی؛ به جامعه علمی، محققان، دانشجویان و صاحبان نشریات علمی کشور خدمات گوناگون ارائه می‌دهد، تعداد نشریات موجود در پرتال پیرو درخواست یا اعلام موافقت نشریات متعدد علمی پژوهشی و تخصصی، در حال افزایش است.

نسخه جدید «پرتال جامع علوم انسانی» به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در دسترس مخاطبان قرار گرفت. در نسخه جدید پرتال، ضمن رفع اشکالات موجود در نسخه قبلی، با تمرکز بر ارائه بهتر و سریع‌تر خدمات نظیر امکان جستجوی پیشرفته در کلیه اطلاعات نشریه نظیر عنوان، چکیده، کلیدواژه، نویسنده، مجله، ناشر و حوزه تخصصی، کاربران می‌توانند با فیلترگذاری بر روی نشریات و مقالات، محتوای مورد نیاز خود را براساس دسترسی هدفمند به مقالات دارای رتبه علمی از مراجع ذیصلاح نظیر وزارت علوم، وزارت بهداشت، دانشگاه آزاد و حوزه علمیه استخراج نمایند. وجه تمایز پرتال جامع علوم انسانی با سایر بانک‌های اطلاعاتی علاوه بر رایگان بودن دسترسی به مقالات، طبقه‌بندی موضوعی است؛ بدین‌صورت که هر مقاله توسط کارشناسان متخصص گرایش‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی، در طبقات خاص موضوعی قرار می‌گیرد تا مخاطبان علاقمند در حوزه‌های مختلف بتوانند به راحتی براساس موضوع، مطالب را جستجو نمایند؛ این امکان به عنوان مهم‌ترین خدمت و وجه تمایز پرتال نسبت به سایر بانک‌های اطلاعاتی، مقالات را براساس دسته‌بندی موضوعی با بیش از ۳۲۰۰ موضوع زیرمجموعه علوم انسانی و اسلامی در اختیار مخاطبان قرار داده است. در نسخه جدید، کاربران با چند کلیک ساده می‌توانند در حوزه مطالعاتی مورد نظر خود، میان انبوهی از اطلاعات به مقالات هدف و مورد نیاز خود دست یابند. در نسخه جدید، امکان دسترسی به محتوای نشریات براساس ناشر نیز فراهم شده تا کاربران بتوانند مجلات و محتوای موجود منتشر شده توسط سازمان یا مرکز خاص (نظیر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) را مطالعه کنند. علاوه بر این در نسخه جدید، هر پدیدآورنده یا صاحب اثر در پرتال جامع علوم انسانی دارای صفحه‌ای اختصاصی است که کاربر می‌تواند با مراجعه به این صفحه ضمن دسترسی به جزئیات رزومه آنان، کلیه آثار موجود را با قابلیت فیلتر کردن براساس سال انتشار، درجه علمی نشریه، ناشر، موضوع طبقه‌بندی شده مقاله و نویسندگان همکار مشاهده نماید، همچنین کاربر می‌تواند در این صفحه بین مقالات تولید شده توسط هر صاحب اثر، جستجوی محتوایی انجام دهد. علاوه بر این، با توجه به کثرت مخاطبان پرتال که از تلفن‌های هوشمند و تبلت برای مشاهده محتوای پرتال استفاده می‌کنند، نرم افزار موبایلی پرتال جامع علوم انسانی به زودی در دسترس مخاطبان قرار خواهد گرفت تا کاربران تلفن‌های هوشمند بتوانند با واسط کاربری مناسب در هر زمان و مکانی به مقالات، سریع و رایگان دسترسی داشته باشند.

شایان ذکر است کلیه خدمات ارائه شده از سوی پرتال جامع علوم انسانی برای صاحبان نشریات (ایجاد صفحه اختصاصی و روزرسانی نشریه) و مخاطبان (دریافت مقالات) رایگان و فاقد هزینه می‌باشد.

علاقه‌مندان جهت دسترسی به پرتال جامع علوم انسانی می‌توانند به آدرس WWW.Ensani.ir مراجعه کنند.



چالش‌های خانواده در حوزه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات اجتماعی با همکاری دبیرخانه دائمی سواد رسانه ای و انجمن سواد رسانه‌ای نشست علمی با عنوان؛ «چالش‌های خانواده در حوزه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی» روز ۲۵ شهریور ۹۷ برگزار کرد. این نشست با حضور دکتر حسین ابراهیم آبادی (دانشیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی وزارت علوم)، دکتر حسن خجسته (دانشیار دانشگاه صدا و سیما و رئیس پژوهشکده ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، صدیقه بران (استادیار و عضو هیات دانشگاه آزاد و مدیر روابط عمومی وزارت نیرو)، دکتر بهاره نصیری (عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر علمی نشست) و دکتر محمدصادق افراسیابی (رئیس انجمن سواد رسانه ای ایران) برگزار شد.

ابتدای جلسه دکتر حسن خجسته دانشیار دانشگاه صدا و سیما و رئیس پژوهشکده ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «فلسفه و معرفتی برای سواد رسانه‌ای لازم است و قطعاً باید چارچوب‌ها و زیرساخت‌های این بخش مشخص شود. وی در ادامه به بحث ارتباطات و توسعه اشاره کرد و به ضرورت وجود درک رسانه ای در کنار دانش فنی پرداخت و گفت: سه ذینفع قدرتمند در این حوزه را افراد، کاربران و شرکت‌ها هستند». در ادامه وی ویژگی‌هایی را برای فضای مجازی مطرح کرد:

- قدرت شخصی‌سازی فردی
- قدرت بسط روابط و ارتباطات که منجر به شکل‌گیری گفتمان‌های فرهنگی می‌شود.
- قدرت کاربرد آموزشی
- قدرت شخصی‌سازی ارتباط
- قدرت احساس آزادی

در ادامه دکتر صدیقه بران استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مدیر کل روابط عمومی وزارت نیرو توضیح داد: ادبیات حوزه سواد رسانه‌ای نیاز به رشد و توسعه دارد و در این زمینه ما نیازمند ترجمه متون هستیم. با وجود این که ما در منازل شاهد تنوع رسانه‌ای هستیم اما سهم والدین در انتخاب‌های رسانه‌ای فرزندانشان ناچیز است و تمایل اندکی به مدیریت مصرف رسانه ای در میان آنها وجود دارد. که البته در این زمینه مدیریت فرهنگی جامعه نیز کوتاهی کرده است و ضرورت دارد تا آموزش های سواد رسانه ای به خانواده‌ها مورد توجه بیشتری قرار گیرد. همچنین مربیان آموزش و پرورش ما که مشغول تدریس کتاب درسی تفکر و سواد رسانه‌ای در پایه دهم هستند نیز باید تحت آموزش‌های لازم در این زمینه قرار گیرند.

سخنران بعدی نشست دکتر حسین ابراهیم آبادی دانشیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم گفت: «صرفاً صحبت کردن درباره سواد رسانه‌ای کافی نیست. چرا که مفهوم سواد در فرایند رخ می‌دهد که این فرایند وابسته به بسیاری از عوامل و شرایط محیطی، فرهنگی، تربیتی و ... است. وجود بافت فرهنگی و اجتماعی مساعد جهت ظهور و بروز سواد رسانه ای ضروری است. سواد رسانه‌ای در ایران باید به طور جدی مساله بندی و صورتبندی گردد و متناسب با نیاز جامعه ایرانی به آن پرداخته شود. درست است که والدین باید به فرزندانشان امکان انتخاب‌گری دهند تا فرزندانشان به احساس شایستگی از انتخاب‌های درست دست یابند ولی یادمان باشد که نباید تمام بار آموزش سواد رسانه‌ای را بر دوش خانواده بیندازیم».

در پایان دکتر بهاره نصیری، عضو هیات علمی گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یادآور شد: مفهوم سواد رسانه ای دعوت به اندیشیدن عمیق، دقیق و جدی درباره چیزی است که می‌بینیم، می‌خواهیم و می‌شنویم. متأسفانه سواد رسانه‌ای در میان خانواده‌های ایرانی مغفول مانده است در حالی که ما باید کاری کنیم که سواد رسانه‌ای تبدیل به یک مطالبه و یک جنبش پرانرژی شود و این امر نیازمند فرهنگ‌سازی عمومی است.



«سیاست، حقوق و تاریخ»

روز سه شنبه ۲۴ مهر پیش‌همایش «علوم انسانی، تولید و صنعت» با عنوان «سیاست، حقوق و تاریخ» در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



در ابتدای جلسه دکتر بهمن حسینجانی دبیر کارگروه سیاست، حقوق و تاریخ، ضمن خوشآمدگویی به حاضران در جلسه، به معرفی خود و سخنرانان برنامه پرداخت و در مورد محورهای جلسه و سخنرانی صحبت کرد. سخنرانان پیش‌همایش دکتر محمدعلی حمای آذری (مدرس سابق دانشگاه تهران و مدیر حقوقی اسبق بانک صادرات و پاسارگاد) با موضوع صنعت در حیطه سیاست، دکتر بهمن حسینجانی (عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات تطبیقی حقوق) با موضوع هوش مصنوعی و مسئولیت کیفری، دکتر عبدالله قنبرلو (عضو هیات علمی پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل) با موضوع نقش نخبگان سیاسی در توسعه صنعتی، مهندس حمیدرضا وجیه‌اللهی (مدیر عملیات بخش سکویهای نفتی دریایی و مدیر ارشد بخش بازرگانی شمال خلیج فارس شرکت چند ملیتی stream FLO) با موضوع تاثیر تصمیمات سیاسی بر توسعه صنعت نفت کانادا با تاکید بر استان آلبرتا (چشم اندازها و دورنماها)، فریدون شیرین کام (پژوهشگر پژوهشکده تاریخ) با موضوع تحول صنعتی در تاریخ ایران با تاکید بر تجربه شرکت ریسندگی و بانفدگی کاشان بودند.

دکتر حمای آذری در سخنرانی خود با موضوع صنعت در حیطه سیاست، گفت: «بستر باید طوری آماده شود که مشکلات و موانع کمتری در مسیر راه‌اندازی بخش‌های صنعتی باشد به این طریق که با ایجاد هزینه‌های کمتر در موارد مصرفی مثل آب و برق و گاز و غیره در حوزه صنعت، صنعتگران راغب به فعالیت در این حوزه شوند. مسیر اخذ مجوزهای لازم در جهت راه‌اندازی واحدهای صنعتی نیز باید تسهیل گردد و شرایط تسهیلات بانکی با سود بازپرداخت کمتری برای آنها در نظر گرفته شود. شرایط مالیاتی نیز می‌بایست در جهت آسودگی خاطر برای صنعتگران تغییر کند».

وی در ادامه گفت: «ابتدا باید مشکلات موجود را بررسی کرد و سپس راهکارهای لازم برای برطرف‌سازی این مشکلات را اتخاذ کرد. در ضمن ایجاد مشارکت‌های کاری و سرمایه‌گذاری با کشورهای قدرتمند در این بخش و استفاده از دانش، تجربه و همفکری با آنها موجب ایجاد شغل و بهبود صنعت و ایجاد ارزش افزوده و در نتیجه موفقیت می‌شود». دکتر قنبرلو با موضوع نقش نخبگان سیاسی در صنعت، گفت: «دو فاکتور نقش مهمی در ارتباط بین سیاست و حوزه صنعت دارد که می‌بایست در کنار هم در نظر گرفته شوند: ۱ - ساختار سیاسی ۲ - نخبگان سیاسی، ساختار و کارگزار در تعامل مستمر با هم هستند. کارگزار در درون یک ساختار سیاسی متولد می‌شود ولی تدریجاً بر ساختار تأثیر می‌گذارد و به تدریج آن را اصلاح می‌کند و در نهایت یک تغییر اساسی در درونش ایجاد می‌کند».

وی ضمن تلقی نقش نخبگان سیاسی به عنوان کارگزار، گفت: «هر نخبه سیاسی حتماً یک کارگزار خواهد بود. کارگزار آن نخبه ای است که میل به تغییر دارد و می‌خواهد در ساختار اثرگذار باشد و تغییر ایجاد کند و از طریق این تغییرات می‌خواهد به یک سری اهداف کلان برسد. نخبگان سیاسی دو گروه هستند: یک سری نخبگان فکری هستند و یک سری نخبگان اجرایی. نخبگان فکری اهل قلم و اندیشه و اهل فکر هستند و به طریقی برای تغییر و تحولات مشروعیت ایجاد می‌کنند و نخبگان اجرایی این موارد را به اجرا در می‌آورند و دو طرف به همدیگر نیاز دارند». نکته‌ای که در پایان قنبرلو به آن تأکید داشت این بود که ما در نهایت برای گذار به نقطه صنعتی‌شدن نیاز به نخبگان سیاسی داریم که بتوانند در نقش عوامل تحول یا کارگزاران تحول اجتماعی نقش ایفا کنند».



مهندس وجیه‌الهی با موضوع تاثیر تصمیمات سیاسی بر توسعه صنعت نفت کانادا با تأکید بر استان آلبرتا، گفت: «نخبگان سیاسی در کانادا با تدوین استراتژی‌های نادرست در زمینه سرمایه‌گذاری موجب شدند که کشور کانادا ضرر هنگفتی را در زمینه نفتی دچار شود. از جمله اینکه آنها می‌توانستند با نهایی‌سازی طرح خط لوله پروژه پتروناس که به آلاسکا وصل می‌گشت و کریدور انتقال انرژی به چین را باز می‌کرد، پروژه‌های مؤثر را ایجاد کنند ولی با پیشنهاد دولت امریکا و رئیس‌جمهورشان ترامپ، هزینه این خط لوله در ساخت بندر آل ال جی در کالیفرنیا و جورجیا سرمایه‌گذاری شد. با این سیاست‌گذاری شرکت‌های نفتی امریکایی و اروپایی مثل شیل و توتال از کشور کانادا خروج کردند».

وی در ادامه اشاره کرد: «صنعت نفت در ده سال آینده خیلی کوچک خواهد شد و با روی کار آمدن انرژی‌های دیگر مانند انرژی هسته‌ای، بادی و غیره نفت در دنیا اهمیت خود را از دست خواهد داد کشور امریکا هم شروع به استخراج نفت خود کرده که نیاز ده ساله آینده خود را تأمین کند».

دکتر شیرین کلام با موضوع تحول صنعتی در تاریخ ایران با تأکید بر تجربه شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان، گفت: «فراپند صنعتی شدن در ایران در سه مرحله رخ داد. مرحله اول دهه آخر حکومت ناصری شروع و تا سال ۱۳۰۴ ادامه داشت. در این دوران سرمایه‌گذاری‌های متعددی از سوی برخی دولتمردان، فعالین اقتصادی روسی، بلژیکی و اروپایی شکل گرفت. اما به دلایل گوناگون، همچون محدودیت زیر ساخت‌ها، مثل فقدان جاده، حمل و نقل، کمبود نیروی انسانی ماهر، فقدان سیاست‌های منسجم ملی در حمایت از صنایع، این فعالیت‌ها به سرانجامی نرسید به گونه‌ای که اثری این صنایع در دوره‌های بعد دیده نشد».

وی در ادامه ضمن اشاره به دوره دوم رشد صنعتی (از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۸)، گفت: «در این دوره سیاست‌های نسبتاً منسجمی در حمایت از توسعه فعالیت کارخانه‌ای در ایران صورت گرفت. اثرات این صنایع تا چند دهه بعد ادامه داشت. برخی از این واحدها در دهه هفتاد تعطیل شدند. دولتی بودن، فقدان آزادی کارفرمایان اقتصادی در اصلاح و بهبود شرایط، عدم تضمین حقوق مالکیت و تصرف اموال زمیندار و عدم استقلال نهاد حقوقی باعث گردید که با همه تلاش‌های صورت گرفته این دوره نتواند گذار ایران به دوران صنعتی را فراهم نماید. دوره سوم رشد صنایع کارخانه‌ای از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۲ صورت گرفت. کثیری از مؤسسات تخصصی مربوط به صنعت مثل بانک توسعه صنعتی، سازمان بورس، مؤسسه استاندارد، سازمان نوسازی صنایع، مرکز مدیریت و... مدتی پیش از این دوره یا در همین دوره تأسیس گردید. سیاست‌های منسجم در حوزه پولی، مالی، کنترل تورم و بورکراسی تا حدودی کمک کرد تا سرمایه‌گذاری عظیمی در حوزه صنعتی شکل گرفت. این فعالیت‌ها به رشد سرمایه انسانی، گسترش ظرفیت مدیریتی، انباشت سرمایه در مؤسسات صنعتی کمک کرد. بحران افزایش قیمت نفت همراه سیاست‌های غلط شاه در خاص پروری، نظامی‌گری، وضع قوانین کنترل و نظارت بر قیمت‌ها و دستگیری و پرونده فعالین صنعتی نقش مؤثری در اختلال روند سرمایه‌گذاری صنعتی داشته است».

دکتر حسین‌جانی به فصل مشترک سخنرانی‌ها یعنی نقش علوم انسانی در توسعه و فرآپند صنعتی شدن پرداخت و نظرات خود را درباره مباحث مختلف مطرح شده بیان کرد.

در پایان دکتر بهروز دری، دبیر علمی همایش، ضمن تشکر و قدردانی از حضار و سخنرانان، گفت: «در این جلسه مباحثی مطرح شد که می‌بایست در صورت نیاز به ترمیم و تکمیل آن پرداخت تا در روز برگزاری همایش در اسفندماه در پنل تخصصی مربوطه بهتر و جامع‌تر برگزار شود».



ارزیابی سیاست‌های حوزه آسیب‌های اجتماعی

به همت معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشست «ارزیابی سیاست‌های حوزه آسیب‌های اجتماعی» با حضور دکتر علی ربیعی (وزیر سابق کار، تعاون و رفاه اجتماعی)، دکتر محمد آقاسی (رئیس مرکز افکارسنجی ایسپا) و دکتر سید جواد میری (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) در روز سه شنبه ۲۴ مهرماه در سالن حکمت برگزار شد.



در ابتدای این نشست دکتر علی ربیعی ضمن بیان ابعاد آسیب‌های اجتماعی گفت: «آسیب‌های اجتماعی مسأله جدیدی نیست و از زمانی که صنعتی شدن و شهری شدن آغاز شد، شاهد آسیب‌های اجتماعی هستیم. امروز از جهاتی فهم، بررسی و سیاست‌گذاری در حوزه آسیب‌های اجتماعی اهمیت پیدا کرده است. ایران امروز در دوران گذار است، البته نه به مفهوم گذار از جامعه سنتی به صنعتی، بلکه ایران بعد از انقلاب اسلامی با تغییر ایدئولوژی و ارزش‌ها و گسترده شدن ارتباطات تغییر کرده است. امروزه شاهد گذار از جامعه انقلابی به جامعه‌ای علاقه‌مند به توسعه روبرو هستیم. نسل جدید پس از انقلاب ارزش‌های جدید دارد و حتی مصرف‌گرا شده است و نگاه متفاوتی به زندگی دارد».

این استاد دانشگاه ادامه داد: «بحث آسیب‌ها دارای پیچیدگی است؛ هرچند در این مورد هنوز به تعبیر منسجمی نرسیده‌ایم. در واقع سیاست‌گذاری آسیب‌های اجتماعی فرادستگاهی است و آسیبی که در این حوزه با آن مواجه هستیم این است که در حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آن نوع از سیاست‌گذاری که چندین دستگاه را دربر بگیرد، کم داریم و حتی آموزه‌های اداری برای اجرای این نوع سیاست‌گذاری‌ها وجود ندارد».

ربیعی با اشاره به جلسه با مقام معظم رهبری در موضوع آسیب‌های اجتماعی گفت: «اولین جلسه‌ای که ایشان پیرامون آسیب‌های اجتماعی تشکیل دادند، گزارشی قرائت شد که در آن منشأ آسیب‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی عنوان شده بود. وقتی نوبت به من رسید، پرسیدم آسیب اجتماعی چیست؟ هدف از طرح این پرسش این بود که من نمی‌دانستم چطور باید بگویم حاشیه‌نشینی آسیب نیست! به همین خاطر از خودم مثال زدم. گفتم من در بچگی حاشیه‌نشین بودم، اما در همین کشور وزیر شده‌ام! و تذکر دادم که کوچه‌های محله دوره کودکی من شهید هم داشته است».

وزیر سابق کار، تعاون و رفاه اجتماعی درباره آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری در حوزه آسیب‌های اجتماعی تصریح کرد: «ما در سیاست‌گذاری کنونی تنها آسیب‌ها را می‌بینیم. قبل از آسیب علت داریم و بعد از وقوع آسیب، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری داریم. من به پیش آسیب و پس‌آسیب در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اعتقاد دارم، درحالی‌که سیاست‌گذاری‌های ما معطوف به رصد وضعیت حاضر هست و در نقدها هم فقط درباره مدیریت آسیب بحث می‌شود. پیش‌آسیب به مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها اشاره دارد که موجب آسیب‌پذیر شدن گروهی از جامعه می‌گردد. مثلاً وقتی دانشگاه آزاد رودهن فعالیت خود را آغاز کرد، تعارض‌ها بروز کرد. چراکه دانشجویان تهرانی که ثروتمند بودند با سبک زندگی متفاوت وارد بافت فقیر می‌شدند و ساختار اجتماعی رودهن را تحت تأثیر خود قرار دادند. لذا در برنامه ششم توسعه تلاش کردیم مباحث اجتماعی لحاظ شود. ما در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کلان باید برای جلوگیری از بروز آسیب مطالعاتی انجام بدهیم و پیش‌آسیب را ببینیم».

وی ادامه داد: «پروژه‌های اجتماعی ذینفعان متعددی دارد. پروژه‌های اجتماعی مشابه پروژه‌های فنسی نیستند که بشود برای اجرای آن دیوار و چادری کشید و همه عوامل محیطی را کنترل کرد. ما متأسفانه دانش و مهارت کافی برای ارتباط گیری با گروه‌های ذینفع برای کارهای اجتماعی را نداریم، در صورتیکه مشارکت دادن گروه‌های ذینفع، بسیار به واقعی شدن آسیب کمک می‌کند. روش ما در حقیقت مبتنی بر دستگاه اجرایی و آسیب دیده است، نه موضوع آسیب». ربیعی با اشاره به نوع جدیدی از آسیب‌ها اظهار داشت: «آسیب‌های نوپدید ناشی از سبک زندگی و فرآیندهای نوین ارتباطی است».



وی با نقد برخی باورهای قالب در تبیین آسیب‌های اجتماعی گفت: «در سنت جامعه‌شناسی عمدتاً رابطه اعتیاد، فقر و بیکاری را با طلاق مقایسه می‌کنیم. این در حالی است که براساس یک کار بزرگ و با تحلیل تعداد قابل توجهی مشاوره تلفنی، اولین علت طلاق فقدان ارزش‌های مشترک، دومین علت طلاق سوءظن و سومین علت عدم آموزش در روابط جنسی بود و فقر و اعتیاد به عنوان چهارمین علت بروز طلاق بود. در واقع برخی تصورات کلیشه‌ای و غلط در خصوص بروز طلاق وجود دارد. مثلاً ثبت اعتیاد در منطقه یک تهران بیشتر از مناطق جنوبی شهر صورت می‌گیرد، درحالی‌که شاید تصور عموم متفاوت از این باشد. ربیعی با اشاره به ماجرای گورخوابی که چندی پیش رسانه‌ای شد، با یادآوری تصویر صفحه نخست یکی از روزنامه‌های آن زمان، در خصوص یکی از گورخواب‌ها گفت: پرویز وضع مالی خوبی داشته و گورخوابی او با فقر ارتباطی نداشت. پرویز فروشگاه لوازم صوتی داشته است و از روی تفریح مواد مخدر مصرف می‌کرده است و در نتیجه از سوی خانواده طرد می‌شود. برخلاف تصور رایج که بسیاری فقر را عامل اعتیاد می‌دانند، در علت‌شناسی مسأله اعتیاد اولین عامل عدم امنیت روانی است. امروزه دانشجوی، استاد و کارمند معتاد داریم و اعتیاد در میان شاغلین هیچ کمتر از اعتیاد در میان بیکاران نیست.»

وی از اهمیت عوامل فرهنگی در بروز آسیب‌های اجتماعی سخن گفت و اضافه کرد: «در کاری که برای شناسایی و رفع مشکل کودکان بازمانده از تحصیل انجام دادیم، این کودکان را با مقایسه اطلاعات ثبت احوال و آموزش پرورش شناسایی کردیم. سپس برای هر یک از آنها پرونده تشکیل دادیم و ویژگی‌های خانوادگی و فردی آنها را شناسایی کردیم. در میان بازماندگان از تحصیل، سیستان و بلوچستان رتبه اول را داشت. یافته‌های تحقیق ما نشان داد که دو عامل فقر و فرهنگ عمومی قوی‌ترین عوامل در بازماندن دختران از تحصیل هستند.»

وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جمع‌بندی سخنان خود گفت: «این نتایج نشان می‌دهد در سیاست‌گذاری اجتماعی، هر گروه اجتماعی تمهیدات ویژه خود را می‌طلبد و اگر می‌خواهیم درباره آسیب‌ها سیاست‌گذاری داشته باشیم، باید تجارب مختلف را ببینیم.»

آقاسی: توجه به نتایج نظرسنجی‌ها می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری در حوزه آسیب‌های اجتماعی باشد



در ادامه این نشست دکتر محمد آقاسی رئیس مرکز افکارسنجی ایسپا، به اهمیت نظرسنجی‌ها در بحث آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد و خاطرنشان ساخت: «ما برای سیاست‌گذاری درست، نیازمند ۴ مرحله هستیم. مرحله اول انجام نظرسنجی است، چراکه نظرسنجی‌ها واقعیات جامعه را به درستی نشان می‌دهد که متأسفانه همین امر بدیهی را بعضی از صاحب نظران اجتماعی قبول نمی‌کنند. مرحله دوم انتشار نظرسنجی‌ها در سطوح مختلف جامعه اعم از سران نظام، متخصصان و نخبگان و در نهایت عامه مردم است. این امر سبب می‌شود که سطح آگاهی‌ها افزایش یابد و نظرات و دیدگاه‌های مختلف برای اصلاح وضع موجود ارائه شود. اما متأسفانه در گذشته موارد متعددی بوده است که اجازه انتشار نظرسنجی‌ها داده نمی‌شد. دو مرحله دیگر از این فرآیند، اقدام و عمل و در نهایت تجدید نظرسنجی است. در مرحله اقدام و عمل باید سیاست‌ها اجرایی گردد تا بتوان به کاهش و کنترل آسیب مدد منجر شود. در مرحله چهارم نظرسنجی تکرار می‌شود تا نتایج سیاست‌ها در جامعه مورد نظر مشاهده شود و از این طریق به ادامه یا تغییر سیاست‌ها برسیم و بتوانیم فرآیند اصلاح را پیش ببریم.»

رئیس مرکز افکارسنجی دانشجویان تصریح کرد: «در کشور ما اساساً به مرحله چهارم توجه نمی‌شود و تکرار نظرسنجی وجود

ندارد، در صورتیکه یکی از محققان غربی با تیم تحقیقاتی خود به مدت ۶۰ سال، حدود ۱ میلیون نفر را در نظر گرفت تا تغییرات اجتماعی آنها را مورد مطالعه قرار دهد».

وی در ادامه به تفاوت‌های عملکرد دولت قبل و دولت فعلی در رابطه با فرآیندهای چهارگانه اشاره کرد و اظهار داشت: «در دولت قبل اساساً به اهمیت نظرسنجی توجه نمی‌شد و در بسیاری از موارد حتی تکلیف قانونی برای انجام نظرسنجی را اعتنا نمی‌کردند. اگر هم انجام می‌شد، برای انتشار آن دچار مشکل می‌شدیم، اما در دولت فعلی خوشبختانه در طول ۵ سال گذشته خود مسئولین مشوق انجام نظرسنجی و انتشار نتایج آن بودند و لذا نظرسنجی‌های متعددی انجام شد، اما مشکل دولت فعلی مراحل سوم و چهارم است که این نظرسنجی‌ها کمتر منجر به اقدام عملی و نظرسنجی مجدد شده است».

وی در پایان ضمن برشمردن نظرسنجی‌های متعددی که توسط ایسپا پیرامون آسیب‌های اجتماعی انجام شده است، تأکید کرد که توجه به نتایج این نظرسنجی‌ها می‌تواند راهگشای سیاستگذاری و ریل‌گذاری درست در حوزه آسیب‌های اجتماعی شود.

میری: سیاستگذاری یک علم و بینش است



در انتهای این نشست دکتر سیدجواد میری عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر علمی نشست اظهار داشت: «سیاستگذاری یک علم و بینش است، در عین حال که تمایزی بین سیاستگذاری و سیاست قائل نیستیم. سیاستگذاری یک علم و بینش است، سیاستگذاران فقط مقاله نمی‌نویسند و از سویی دیگر فقط سیاستمدار نیستند. آنها به نوعی دو زیست هستند که می‌توانند هم زبان علم را بفهمند و هم قادرند با سیاستمداران لابی کنند و بر نحوه تصمیم‌گیری آنها اعمال نظر کنند».

وی در خصوص آسیب‌شناسی سیاست‌های حوزه آسیب‌های اجتماعی گفت: «برای حل مسائل اجتماعی در درجه اول باید بفهمیم این مسائل اجتماعی چه هستند؟ و چه تفاوتی بین مسائل فردی و اجتماعی وجود دارد؟ در ایران مسائل اجتماعی با نگاهی روان‌شناسانه بازخوانی می‌شود، مثلاً در رابطه با اعتیاد فرد را مسئول می‌دانند و به زمینه‌های اجتماعی بروز اعتیاد بی‌توجه هستند».

این استاد دانشگاه گفت: وقتی تأسیس راه‌آهن یا کارخانه فولاد بر بافت اجتماعی و نگرش مردم یک منطقه اثر می‌گذارد و ساختار عینی و ذهن مردم منطقه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، طبیعی است که انقلاب اسلامی ۵۷ در بافت و ساختار جامعه ایران اثر گذاشته باشد».

وی ادامه داد: «در خصوص سیاستگذاری آسیب‌های اجتماعی، ما چیزی به نام سیاستگذاری نداریم. برای اینکه مسأله‌ای به عنوان یک مسأله سیاستگذاری شود، باید در سه سطح پذیرفته شود. سطح اول، حوزه عمومی شامل کنشگران سیاسی و فعالان اجتماعی است. اینها باید فضایی داشته باشند تا ایده‌ها را در آن منتشر کنند. از سویی دیگر آدم‌های سطح اول که در حوزه عمومی هستند هم نمی‌توانند بدون میانجی‌گیری سیاستگذاران ایده بدهند و مسائل را حل کنند. لذا یک آسیب جدی در ایران این است که هنوز تمایزی بین سیاستگذاری و سیاست‌ورزی قائل نیستیم».

در انتهای این نشست نیز سخنرانان به تعدادی از پرسش‌های حاضران پاسخ گفتند.



گزارش سمینار علمی «منطق در تفکر اسلامی»

پژوهشکده حکمت معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شانزدهم مهر ماه ۱۳۹۷ سمینار علمی «منطق در تفکر اسلامی» برگزار کرد.



در این سمینار پروفسور نادیا گرمان مؤسس بخش فلسفه اسلامی در دانشکده فلسفه دانشگاه فرایبورگ آلمان درباره رابطه زبان و تفکر در منطق فارابی سخن گفت. وی رابطه زبان و تفکر را از منظر فارابی تبیین کرد و موضع وی را «رهاسازی تفکر از قید زبان» نامید و افزود: خداوند در قرآن می‌فرماید: «... وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ» (سوره مؤمنون آیه ۶۲) و می‌فرماید: «هَذَا كِتَابُنَا

يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ...» (سوره جاثیه آیه ۲۹) این مثال‌ها نشان می‌دهند که قرآن حوزه معنایی نطق و مشتقات آن را هم در حوزه زبان قرار می‌دهد و هم معنای شناختی- نظری برای نطق قائل است زیرا نطق با مفهوم حقیقت پیوند دارد. آن هم حقیقتی که برای انسان قابل دسترسی است. آراء فارابی درباره ماهیت زبان در مقایسه با ماهیت تفکر به طور مشخص در مباحث او درباره منشأ زبان پدیدار می‌شود. آیا منشأ زبان چنان که ارسطو و پیروانش مدعی‌اند، یک قرارداد ارادی انسانی است یا چنان که بسیاری از معاصران فارابی بر آن باور بودند منشأ زبان وضع الهی است؟ فارابی در واقع این دو نظریه را در هم می‌آمیزد و می‌نویسد: «از همان آغاز هر انسان بنا بر فطرتش به سمت آن چیزی می‌رود و حرکت می‌کند و به آن شیوه‌ای حرکت می‌کند که برایش آسان‌تر است. بنابراین روان انسان به سمت دانستن، اندیشیدن، تصور کردن، تخیل کردن و تعقل کردن و هر آن چیزی می‌رود که بنا بر فطرتش استعداد بیشتر و قویتری برای آن دارد.»؛ «وقتی نیاز دارد که دیگران را از ما فی‌الضمیرش یا قصد درونی‌اش آگاه کند، نخست اشاره می‌کند پس از آن از صداهای مختلفی استفاده می‌کند که با هر کدام از آن‌ها می‌خواهد به آن چیزی که به آن اشاره می‌کند، ارجاع بدهد به طوری که او برای هر چیز خاص مورد اشاره، یک صدای خاص که از آن برای چیز دیگری استفاده نمی‌کند، قرار می‌دهد.» بدین ترتیب زبان برای فارابی محصول وضع است اما واضع آن انسان‌ها هستند و نه خداوند. بنابراین فارابی معتقد است که تفکر هم هستی‌شناسانه، و هم به نحو صوری مقدم بر زبان است پس کاملاً مناسب است که تفکر را «زبان ذهنی» بخوانیم که الگویی درون ذهنی را بر مبنای ابزارهای بیرونی ارتباطی - زبان‌های منفرد مشخص شکل می‌دهد. سخنران دوم سمینار دکتر طاهره کمالی‌زاده از پژوهشگاه علوم انسانی بود که به توضیح درباره رساله عقل فارابی پرداخت و گفت: «فارابی یک تعریف نظام‌مند از عقل در اسلام ارائه می‌کند و ۶ معنا و کاربرد را برای عقل برمی‌شمارد که دو معنای اول آن مستقل از آثار ارسطو است فارابی بین عقل جزئی و عقل کلی تفکیک قائل شده و کاربردهای عقل نظری و عقل عملی را مطرح می‌کند. فارابی از عقل فعال نیز یاد می‌کند که خارج از نفس انسانی است. علت فاعلی ما همین عقل فعال است که عقل بالقه را به طرف عقل بالفعل هدایت می‌کند.»

دکتر ملیحه احسانی از بنیاد دانشنامه جهان اسلام سومین سخنران این سمینار علمی بود که از منطق موجّهات ابن سینا سخن گفت و یادآور شد که هر چیزی که در منطق مطرح می‌شود پشتوانه‌ای از هستی‌شناسی ابن سینا به دنبال دارد. بحث گزاره‌های ابن سینا نمونه بسیار خوبی برای این مدعا است. بنیادهای متافیزیکی جهات منطقی را نیز می‌توان در فلسفه ابن سینا جستجو کرد. او عبارت مشهوری دارد که از تقسیم وجود نام می‌برد. در منطق ابن سینا نمی‌توان چیزی پیدا کرد که مبتنی بر فلسفه‌اش نباشد و افرادی مانند غزالی که مخالف فلسفه سینوی بودند اما به منطق وی پای بند بوده‌اند.

دکتر مهدی عظیمی از دانشگاه تهران چهارمین سخنران سمینار بود که از منطق سهروردی سخن گفت و افزود: مرحوم حسین ضیایی تربتی و والبریح دو هم‌کاری بودند که برای اولین بار در غرب طرح‌های پژوهشی مشترکی را درباره سهروردی انجام دادند. حکمت الاشراق را می‌توان در نظریه تعریف و موجّهات خلاصه کرد. والبریح معتقد است سهروردی با نظریه تعریف و موجّهات خو رویکردی سلبی به نظریه‌های متناظر مشائیان به ویژه ابن سینا داشت اما به عقیده من چنین نیست بلکه سهروردی هم‌گرایی زیادی با ابن سینا داشت و به دنبال تکمیل پروژه نیمه تمام ابن سینا بود.»

در این نشست که چهار ساعت به طول انجامید تلاش شد تا از جنبه‌های مختلف منطق در سنت اسلامی، سخن گفته شود. در پایان نشست پرسش‌هایی از طرف اساتید و پژوهشگران حاضر در جلسه مطرح شد که سخنرانان به آنها پاسخ گفتند.



«تورات، انجیل و قرآن - سه کتاب، دو شهر و یک داستان»

پژوهشکده مطالعات قرآنی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی و انجمن علمی ترجمه و زبان‌های خارجی حوزه علمیه در روز شنبه، ۱۴ مهر جلسه‌ای جهت رونمایی، معرفی و نقد کتاب «تورات، انجیل و قرآن - سه کتاب دو شهر و یک داستان» با حضور مؤلف کتاب، پروفسور آنتون وسلز (استاد دانشگاه الهیات آمستردام) و دکتر فروغ پارسا، دکتر سعید عدالت نژاد و دکتر لیلا هوشنگی در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.



در آغاز نشست دکتر پارسا، رئیس پژوهشکده مطالعات قرآنی، تأکید کرد: «بخشی از مأموریت پژوهشکده به مطالعه تطبیقی متون مقدس اختصاص دارد که این نوع پژوهش قطع یقین گام مؤثری در گفتگوی بین‌الادیانی و نزدیک شدن به آرمان صلح جهانی است. معرفی و نقد کتاب «تورات، انجیل و قرآن - سه کتاب دو شهر و یک داستان» از سویی در راستای راهبرد تعامل و ارتباط بین‌المللی پژوهشکده است و از جهت دیگر بحث‌های بین‌الادیانی را تقویت می‌کند. کتاب پروفسور آنتون وسلز، استاد بازنشسته دانشگاه آمستردام به عنوان شخصیتی که سال‌ها در حوزه متون مقدس کار کرده‌اند، مورد خیلی مناسبی برای تبیین مطالعات بین‌ادیان مختلف است که در این نشست از سخنان وی استفاده می‌کنیم».

سپس پروفسور آنتون وسلز سخنان خود را آغاز کرد و گفت: «ما اکنون در زمانی زندگی می‌کنیم که افرادی به ویژه در غرب فکر می‌کنند برد با کسانی است که خالی از دین هستند. برخی از افراد در غرب تصور می‌کنند، مشکلات جهان به خاطر دین بوده و بهتر است انتشار کتاب‌های مقدس ممنوع شوند؛ چرا که علت همه مشکلات هستند. اما من در این کتاب می‌گویم که این سه کتاب - تورات، انجیل و قرآن - نه تنها علت مشکلات نیستند، بلکه حل‌کننده آن‌ها نیز هستند». در زمان جنگ داخلی لبنان در ژوئن ۱۹۷۶، راکتی به آپارتمان من در بیروت اصابت کرد که ساخت مسیحیان بود و روی آن به زبان عبری نوشته و به سمت محله مسلمان نشین پرتاب شده بود! و می‌شود گفت، این ایده‌آل‌ترین شیوه همکاری یهودیان و مسیحیت است؛ اما این چیزی نیست که از این سه کتاب آموخته‌ایم. پروفسور وسلز تصریح کرد: «دغدغه فعلی من در رابطه با سه دین ذکر شده این است که نشان دهم باید مبنای ما این سه کتاب باشد و باید این‌ها را با هم بخوانیم تا چیزهایی یاد بگیریم».

وسلز افزود: «بعد از حمله تروریستی پاریس، رئیس جمهور وقت آمریکا ادعا کرد که ما اینک در آخرالزمان زندگی



می‌کنیم و سخن او شبیه برخی جریان‌های مسیحی آمریکایی بود و این ادبیات را نه تنها مسیحیان آمریکا، بلکه دولت به اصطلاح اسلامی داعش هم استفاده می‌کند. خلیفه ستمگر داعش گفته که در حال آخرین جنگ در تاریخ جهان هستیم و این جنگ در شمال سوریه اتفاق می‌افتد. او با بیان اینکه آیا این سخنی که داعش گفته از تورات و انجیل و قرآن بر می‌آید، پاسخ داد: خیر از نظر من اپوکالیسم با جنگ و پایان جهان متفاوت است و به معنای آشکار کردن و پرده برداشتن است و باید بفهمیم و امروز چه رخ داده است».

وی با بیان اینکه باید از خواندن این سه کتاب به بینشی دست یابیم که از طریق آن‌ها به وضعیتمان در جهان پی ببریم، به داستانی از دانیال نبی پرداخت و افزود: «دانیال نبی یک تبعیدی بود و ایشان یک متفکر اپوکالیپتیکی است و اپوکالیسم یک مفهوم مکاشفه‌ای است که در یهودیت و مسیحیت وجود داشته یعنی فاش شدن چیزهایی در آخرالزمان. زمان نگارش کتاب دانیال در قرن دوم قبل از میلاد و پس از زمانی بود که اسکندر سرزمین‌هایی را فتح کرده بود و آن زمان حاکمی از جانشینان اسکندر وجود داشت که همانند اسکندر خود را تجلی خدا می‌دانست و این وضعیت خطرناکی است که حاکمان خود را تجلی خدا بدانند».

وی در ادامه اظهار کرد: «ادعای اپوکالیسم در کتاب دانیال این است که جهان پایانی خشونت‌آمیز نخواهد داشت و خداوند به همه خشونت‌ها پایان خواهد داد و این رویای دانیال نبی است اما سوال ما ممکن است این باشد که چقدر طول می‌کشد تا خدا خشونت موجود در جهان را پایان دهد؛ پاسخ می‌تواند اینگونه باشد که زمانش طولانی است اما دانیال نبی می‌گوید؛ باید شکبیا باشیم و صبر کنیم و ما بیهوده منتظر نیستیم و این رویا قطعی است و تفسیرش هم مطمئن است».

پروفسور آنتون وسلز در سخنانی دیگر افزود: «مطالبی که در این کتاب‌ها آمده برای ما مفید است، نه اینکه ما را در مقابل هم قرار دهد. و مبنای تفسیر من این است که حضرت عیسی (ع) آمد تا قرآن را تأیید و قرآن نیز تورات و انجیل را تأیید کند؛ این سه کتاب را اگر در کنار هم قرار دهیم مطالب مفیدی از آن‌ها خواهیم فهمید. به طور کلی در محافل غربی بیشتر توجهات به منابع سنی است ولیکن اخیراً توجه به منابع شیعی بیشتر شده است و آن هم به دلیل حضور اساتید و عالمان شیعی در میان آن‌ها است».

در ادامه ناقدان کتاب به بحث و بررسی در مورد کتاب پرداختند و در پایان به سؤالات تعدادی از حضار نیز پاسخ داده شد.



بررسی مسائل مرتبط با «انگ و بیماری»

هفتمین نشست از سلسله نشست‌های ارتباطات علم در ایران با موضوع: «مولفه‌های ارتباطاتی موثر بر تحمیل داغ اجتماعی بر خود در بین جمعیت‌های پرخطر در مواجهه با ویروس ایدز (HIV)» و سخنرانی دکتر داود مهرابی در تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ برگزار شد.



در این نشست که با محوریت استیگما و بیماری که توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، دکتر داود مهرابی عضو هیأت علمی این پژوهشگاه ضمن بیان سخنانی در خصوص استیگما و بیماری، ریشه‌های استیگمای ناشی از بیماریها و همچنین پیامدهای مرتبط با آن را تبیین نمود.

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، گفت: «برخی از مسائل مرتبط با سلامت مقداری از انگ (استیگما) را به دنبال دارند که ریشه این نوع نگرش در تأثیر جامعه بر افراد است و مختص بیماری خاصی همچون اچ.آی.وی نیست که فقط بگوییم تنها اچ.آی.وی استیگما به دنبال دارد؛ بلکه سرطان‌ها، عادت‌های بد غذایی، معلولیت‌ها و حتی اختلالات روانی نیز میزانی از استیگما با خود به همراه دارند».

وی با تأکید بر نقش ارتباطات، سلامت را در حل بخشی از مشکلات سلامت، استیگما را به عنوان نگرش‌ها و احساسات منفی مرتبط با شرایط سلامتی معرفی کرد که با پیش‌داوری درباره یک گروه، پیامدهایی همچون ترس، خجالت، و در نهایت انزوای اجتماعی در بیمار ایجاد می‌کند. علت وجود استیگمای مرتبط با اچ.آی.وی را شناخته شدن این بیماری در آمریکا برای نخستین بار در بین گروه‌های پرخطری دانست که از دیرباز به عنوان افراد نامطلوب جامعه شناخته می‌شدند.

وی با ارائه نتایج تحقیقات چهار گروه از افراد در معرض خطر ابتلا به اچ.آی.وی (ویروس نقص ایمنی انسانی) در خصوص تأثیرات مسائل فرهنگی بر ایجاد استیگما اظهار داشت: «مسائل فرهنگی که در خصوص بیماری اچ.آی.وی وجود دارد باعث می‌شود افرادی که به این ویروس مبتلا می‌شوند عمدتاً سکوت کنند و خود را به عنوان یک مبتلا معرفی نکنند. ایدز با مصرف مواد مخدر و داشتن رابطه جنسی ناسالم رابطه تنگاتنگ دارد و از آنجایی که این دو موضوع مورد پذیرش جامعه نیستند، استیگمای مرتبط با ایدز به وجود می‌آید. نبود آگاهی درباره اچ.آی.وی از قبیل راههای انتقال آن و همچنین نگاه قضاوت مدارانه نسبت به افراد بدون اینکه دلیل ابتلای آنها به اچ.آی.وی روشن باشد، از جمله دلایلی است که باعث به وجود آمدن استیگما می‌شود. تا پایان سال گذشته میلادی ۳۶ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر ابتلا به اچ.آی.وی در جهان گزارش شده است. تنها در سال گذشته یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر به مبتلایان اچ.آی.وی افزوده شده‌اند. همچنین در سال ۲۰۱۷ حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار نوجوان زیر ۱۵ سال به اچ.آی.وی مبتلا بوده‌اند، و در این سال ۱۱۰ هزار نفر در این رده سنی به دلیل ابتلا به بیماری ایدز جان خود را از دست داده‌اند».

وی افزود: «کاهش استیگما باعث می‌شود زنان بارداری که به این ویروس مبتلا هستند با انجام آزمایش‌های مربوطه شانس تولد نوزاد مبتلا به اچ.آی.وی را از ۴۰ درصد به ۲ درصد کاهش دهند. با توجه به تغییر روش انتقال اچ.آی.وی از تزریق مواد مخدر به روابط جنسی، آموزش و ایجاد آگاهی در بین زنان باردار به منظور انجام آزمایش اچ.آی.وی بسیار ضروری به نظر می‌رسد».

مهرابی در ادامه عواقب استیگما را به ویژه برای گروه‌های در معرض خطر و افراد مبتلا به اچ.آی.وی تشریح کرد و افزود: «وجود استیگما در افراد در معرض خطر همچون تزریق کنندگان مواد مخدر باعث پرهیز آنها از انجام آزمایش‌های لازم به منظور تشخیص اولیه می‌شود که این امر خود می‌تواند فرایند کنترل و درمان را به تعویق بیندازد و آسیب‌های اقتصادی-اجتماعی فراوانی به دنبال داشته باشد. وجود استیگما در افراد مبتلا به اچ.آی.وی نیز باعث طرد آنها از خانواده و جامعه شده و می‌تواند رفتارهای پرخطر آنها را بیشتر نماید. طبق مطالعه‌ای که بین گروه‌های پرخطر در مالزی انجام شده، الگوی ارتباطی تزریق کنندگان مواد مخدر با زنان خیابانی و یا «تراجنسی»ها متفاوت است. این نتایج نشان می‌دهد که تزریق کنندگان مواد مخدر بیشتر از ارتباطات بین فردی (مانند پزشکان، پرستاران و تشکل‌های غیر دولتی) در کسب اطلاعات مرتبط با اچ.آی.وی استفاده می‌کنند، در حالی که زنان خیابانی و «تراجنسی»ها بیشترین اطلاعات مرتبط با اچ.آی.وی را از رسانه‌های جمعی همچون اینترنت، روزنامه‌ها و تلویزیون کسب می‌کنند».

مهرابی در خصوص باورپذیری اطلاعاتی که از رسانه‌های جمعی یا کانال‌های ارتباطات بین فردی در اختیار افراد در معرض خطر قرار می‌گیرد نیز بیان کرد: «باورپذیری و مفید بودن اطلاعاتی که از طریق ارتباطات بین فردی کسب شده، بیشتر است که این نتایج می‌تواند در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جهت انتشار اطلاعات برای این قبیل گروه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. حمایت اجتماعی از سوی اعضای خانواده و دوستان از دیگر متغیرهایی است معرفی کرد که با تقویت آنها می‌توان استیگمای مرتبط با اچ.آی.وی را کاهش داد».



بازشناسی مفهوم وحدت در دیدگاه امام علی (ع)

نوزدهم شهریور ماه ۹۷ سخنرانی «بازشناسی مفهوم وحدت در دیدگاه امام علی (ع)» با همکاری مرکز تحقیقات امام علی (ع) در دانشگاه مفید و با سخنرانی دکتر محمدعلی مشایخی برای حاضرین برگزار شد.

دکتر مشایخی سخانش را اینگونه شروع کرد: «خدا را شاکرم توفیق داد دگربار در نشست دیگری و در قالبی دیگر از مولا علی سخن



می‌گوییم و با محوریت بیانات گهربار ایشان به بررسی موضوعی دیگر می‌پردازیم. انشاءالله مقبول افتد و خداوند متعال خواهانیم آن گوییم که باید گفت. در مطلع بحث از اهمیت عنایت و توجه به کلمات حضرت امیر ۷ در دیدگاه غیرشیعیان گوییم تا توجه ما به بحث پیش‌رو بیشتر شود. جرق جرداق مسیحی در عظمت کلام حضرت فرماید: ای روزگارا! تو چه میشد اگر تمام نیروهای خود را بسیج میکردی و در هر عصری وزمانی بزرگ مردی چون علی (علیه السلام) با همان عقل و دهان و قلب، با همان زبان و با همان شمشیر به جهان ارمغان می‌دادی؟ من هنگامی که از

مدرسه خارج میشدم یا بهتر بگویم فرار می‌کردم، به حفظ سوره های قرآن و خطبه ها و مواعظ امام علی علیه السلام در زیر درخت بلوط می پرداختم. با چنین حال و هوایی چگونه می‌توانستم در باره نهج البلاغه چیزی ننویسم؟... نهج البلاغه را که خواندم عاشق ادبیات، حالات، شخصیت و اندیشه امام علی (ع) شدم و پس از آن به تحقیق و مطالعه هر کتابی از نویسندگان اهل سنت و شیعه پرداختم که درباره ایشان نوشته بودند ... جاذبه کلام حضرت علی (ع) شور و شوقی در من ایجاد کرد که دوپست بار نهج البلاغه را خواندم. کلمات حضرت درس زندگی است و به صورت کاربردی تری نیازهای فردی و اجتماعی امروزه ما را پاسخ می‌دهد. بنابراین نیازمند عنایت و توجه به آن هستیم».

وی افزود: «یکی از موضوعاتی که بیش از گذشته امت اسلام به آن نیازمند است وحدت و همگرایی است. زخم کهنه تشت و تفرق امت اسلامی از دیرباز تاکنون هزینه های بسیار زیادی را بر امت اسلامی تحمیل کرده است و دشمنان نیز خوب فهمیده‌اند آتش تفرقه و تششت بهترین حربه برای دستیابی به مطامع نامشروع خود است. باین وصف امت اسلامی بیش از پیش به وحدت و همگرایی نیازمند است. ائمه اطهار به عنوان پیشتازان عرصه وحدت امت اسلامی بهترین الگو برای وحدت و همگرایی هستند. در این مجال از وحدت با محوریت دیدگاه حضرت امیر سخن می‌گوییم».

مشایخی گفت: «قبل از هر چیز به بیان چپستی خود لفظ وحدت پردازیم تا زمینه برای ورود به مباحث بعدی فراهم شود. وحدت از ماده وحدت از ماده «و-ح-د» به معنای انفراد، تنهایی، یگانگی، یکتایی و... آمده است. این کلمه توسعه معنایی پیدا کرده و درباره مسلمانان و مومنان و مردمان جامعه اسلامی به کار رفته و به واسطه اسلام و ایمان یکی تلقی شده‌اند؛ امت اسلامی علیرغم شمول آن بر مجموعه‌ای از افراد یکی تلقی شده‌اند و به رفتاری واحدانه فراخوانده است و الفاظی نظیر اتحاد، وفاق، تفوق، جماعت، انسجام، تواصل، تبادل و... ترادف معنایی داشته و با کلماتی نظیر نظیر تفرق، تششت، تشعب، تلون، اختلاف، تنازع، تدابر، تقاطع و ... تقابل معنایی پیدا کرده است. فلذا در آیات و نیز روایات عباراتی از این دست قابل مشاهده است؛ إِنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ مِّنْ دُونِ النَّاسِ؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ؛ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ

این عبارات گویای این است که خداوند متعال به جامعه اسلامی و ایمانی توجه و عنایت ویژه دارد و شأن و جایگاه خاصی برای آنها قائل است. و علیرغم شمول جامعه اسلامی بر مجموعه‌ای از افراد که حتی ارتباط نسبی و حتی حسبی با هم ندارند لیکن به عنوان برادر تلقی شده‌اند؛ یعنی اسلام و مسلمانی رابطه خاصی بین مسلمانان برقرار کرده و آنها را تا سرحد برادر خونی و حتی بالاتر به هم نزدیک کرده است. چه می‌شود که جامعه اسلامی برادر خوانده شده و از آنها درخواست مناسبات برادرانه می‌شود. این موارد و مجموعه نظر لغویون و ادیبان ما را به تعریف اصطلاحی از وحدت ترغیب می‌کند: به رفتاری گفته می‌شود که افراد جامعه اسلامی یا انسانی از خود بروز می‌دهند که یکتایی، یکپارچگی، همراهی آنان را نشانگر باشد علیرغم اینکه در ظاهر آن جامعه متشکل از افراد مختلف با سطوح مختلف فکری هستند.

آری باید رفتاری از خود بروز دهند تا یکپارچگی آنها نشانگر باشد و این می‌شود وحدت و همگرایی. قاعدتا وحدت عناصری دارد. تعبیری که برای آن به کار می‌بریم مثلث وحدت است. وحدت‌جو، وحدت‌پذیر، محورها. کسی باید باشد مروج و مبلغ وحدت باشد و نیز کسی باید باشد آن وحدت را پذیرا باشد حال که وحدت از طرف وحدت‌جو مطرح و از طرف وحدت‌پذیر پذیرفته شد حول

چه محوری وحدت نمایند به چه ریسمانی متمسک بشوند و اطراف آن حلقه زنده این ضلع سوم مثلث عناصر وحدت را در بر می‌گیرد. یک نکته هم اینجا باید گفت لفظ جوابگوی نیاز نبود و چاره از تفکیک نبود و گرنه هر وحدت‌جویی نیز می‌تواند وحدت پذیر شود و برعکس».

مشایخی ادامه داد: «یک به یک این عناصر را در گستره درون دینی مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ این که گفته شد در گستره درون دینی به واسطه این است که هر نقطه اشتراکی برای انسانها می‌تواند به محور وحدت بدل شود و سطحی از وحدت را ایجاد نماید و همگرایی ایجاد نماید، جنس، نژاد، سن، زبان، گویش، رنگ، آداب، مکان، فرهنگ، دین، مذهب و... از جمله مواردی است که می‌تواند وحدت ایجاد نماید و همگرایی ایجاد کند منتها در هر کدام از اینها سطح وحدت متفاوت است؛ علاوه بر این نکته مهم دیگر که باید به آن اشاره داشت هدف از وحدت است در هر کدام از این موارد هدف می‌تواند متفاوت باشد. فلذا باید گفت آنچه از وحدت در اینجا و در بیانات گهربار حضرت به دنبال آن هستیم مرتبه و سطح عالی وحدت با هدف الهی و آرمانی است. وحدت حول دین و منویات آن برای تعالی، تکامل و سعادت‌یابی هدف عمده و محوردهنده این نشست است. همین نیز خود وحدت مفروضه را از همه وحدتهای موجود و مرسوم جدا می‌کند. البته باید گفت هر سطحی از وحدت رفتاری خاص را می‌طلبد و هدف خاصی را دنبال میکند چه بسا برای دستیابی به سطحی از وحدت برای هدف خاص سطوح و اهداف دیگر چندان ارزشمند نباشد یا حداقل این میزان ارزشمند نباشد. فلذا باز تأکید می‌شود وحدت در گستره درون دینی و درون اسلامی بحث میشود و آنچه از وحدت با این محورها از آن صحبت می‌شود ناظر به این پیش‌فرض است».

دو عنصر اول عنصر اول وحدت جو و وحدت‌پذیر هستند. آموزه‌های علوی عمدتاً سه طیف عمده را در بیانات خود برای این مهم برگزیده‌اند؛ مسلمان، مؤمن و ناس که باز به گونه‌ای به دو واژه قبل بر می‌گردد یعنی مردمی که مسلمان یا مؤمن هستند. یعنی در داخل قلمرو اسلامی صحبت می‌کردند و معمولاً در مسجد یا مکان مناسبی دیگر به صحبت با مردم پرداختند و در این مکان‌ها نیز معمولاً یا عمدتاً مسلمان بوده‌اند. در عبارات زیر مواردی که حضرت و دیگر ائمه به ویژگی‌های یک مسلمان یا یک مؤمن پرداخته‌اند، تشریح کنیم:

- ۱ - مسلمانان دارای درجات ایمانی متفاوتی هستند برخی در مرحله اسلام مانده‌اند و برخی به مراحل بالاتر پای گذاشته‌اند و در جرگه مومنان جای گرفته‌اند مراحل بالاتری هم وجود دارد. متقیان، مخلصان صدیقان طیف‌های دیگری از مسلمانان هستند.
- ۲ - اسلام و مسلمانی مناسبت جدیدی را بین انسانها برقرار کرده که همین خود می‌تواند محور وحدت باشد یعنی وقتی حضرت سخن از وحدت و همگرایی به میان می‌آوردند با عبارات مومن و مسلمان و ... یاد می‌کنند.
- ۳ - سخن از وحدت باید بین کسانی مطرح شود که آن را پذیرا باشند و به آن گردن نهند مسلمان و مومن واقعی کلمه به وحدت و لوازم آن ملتزم هستند ی حداقل از آنها انتظار بیشتری برای پذیرایی وحدت و همگرایی هست.
- ۴ - وحدت بین مسلمانان و مومنان بسی ارزشمند و مهم است یا اینکه وحدت بین مؤمنان و مسلمانان سطوح عالی وحدت را به نمایش می‌گذارد.

۵ - اگر خواهان وحدت حداکثری هستیم باید زمینه‌های درونی اسلام و ایمان را در خود تقویت کنیم به دیگر سخن هر چه زمینه‌های درونی ایمان و اسلام را در خود تقویت کنیم و به دنبال ارتقاء معنوی خود باشیم قطعاً امید به وحدت‌گرایی بیشتر خواهد شد. نفس بکارگیری عبارات بیشتری برای وحدت‌خواهی مومن خود می‌تواند گویای این حقیقت باشد. توجه داشته باشیم اوصافی که برای مومن بیان شده علیرغم اینکه در برخی موارد با مسلمان یکسان است ولی صفاتی برای او بیان شده که قطعاً همگرایی را در او سهل‌الوصول‌تر خواهد کرد.

۶ - اگرچه می‌توان به واسطه اشتراکات انسانی در سطوح مختلف انتظار وحدت داشت یا اینکه می‌تواند از هر اشتراکی برای وحدت بهره گرفت لیکن همانطور که گفته شد وحدت مد نظر امام علی(ع) وحدت حول تعالیم اسلامی برای مؤمنان و مسلمانان است. به تناسب هدفی که از این وحدت دنبال می‌شود هدفی عالی‌تر خواهد بود تکامل، تعالی و پیشرفت در مسیر اعتلای اسلام و مسلمانی و سعادت دوسرا

بنابراین هر کسی به وحدت تن ندهد حضرت نیکان و خوبان را به این مهم فراخوانده‌اند مسلمان با اوصاف پیش‌گفته و نیز مومن با ویژگی‌های پیش‌گفته قدم در راه وحدت خواهند گذاشت و از آنها چنین انتظاری هست.

محورها

ضلع سوم از مثلث وحدت محوری است که حول آن وحدت جو و وحدت‌پذیر حلقه می‌زنند و به ریسمان آن چنگ می‌زنند. دکتر مشایخی در خصوص اهمیت و جایگاه وحدت توضیح داد: پس از تشریح وحدت و عناصر آن به تشریح اهمیت و جایگاه وحدت خواهیم پرداخت درواقع خواهیم با این تشریح به چرایی وحدت اشاره کنیم؛

۱ - روح وحدت‌خواهانه تعالیم الهی: تعالیم دینی خود محور وحدتند و به وحدت فراخوانده‌اند

۲ - تجسدیابی بخش عمده‌ای از تعالیم دینی در پرتو وحدت

بخش عمده‌ای از تعالیم دینی در پرتو وحدت تحقق و تجسد می‌یابد. بخش عمده‌ای از تعالیم دینی در بستر اجتماع تحقق می‌یابد. نمازهای جماعت، جمعه، اعیاد اسلامی، زکات، خمس، مظاهر فرهنگ اسلامی امثال مسجد، مصلی، برخورداری از برخی ثواب‌ها و پاداش‌ها و... همه اینها در پرتو وحدت و باهم بودن معنا و مفهوم پیدا می‌کند و موجودیت می‌یابد. پس اگر خواهیم به اهمیت وحدت اشاره کنیم یکی از موارد موجودیت‌یابی برخی از تعالیم دینی به توسط وحدت‌گرایی است.



۳- نعمتی پراح و پرپها و ضرورت شکرگزاری آن: نخستین وظیفه واجب انسان در قبال خداوند متعال سپاسگزاری از نعمتهای او و فراهم آوردن موجبات خشنودی اوست. وحدت نعمتی عظیم است که خداوند متعال برای دادن آن بر مسلمانان منت نهاده است همانطور که نعمت عظیم پیامبر را عطا کرد و بر آن منت نهاد.

۴- عزت آفرین

۵- برکت آور: این عبارت گهربار حضرت امیر را ببینیم: خدای سبحان به هیچ کس از گذشتگان و برجای ماندگان، که جدایی گزیند، خیری عطا نکرده است. دست خدا با جماعت است. جماعت رحمت و فرقه عذاب است. اصلاً برکت در جماعت است.

نماز جماعت یکی از مظاهر وحدت است ببینیم چه برکاتی برای آن بیان شده است: برتری ثواب؛ علنی شدن اسلام، رافع بلاها، برآوردگی حاجات، برائت از نفاق و آتش جهنم بواسطه درک چهل روزه نماز جماعت، علو درجات و...

اگر در عرصه اجتماعی شاهد شکل گیری وحدت و انسجام فراگیر باشیم آیا عواید و برکات مادی و معنوی آن قابل تصور خواهد بود؟ خیلی سوال مهمی است وقتی برای یک نماز جماعت این همه برکت وجود دارد برای دیگر موارد چگونه خواهد بود

۶- دشمنان همیشگی نیز یکی از عوامل و دلایل اهمیت وحدت و وحدت‌گرایی است و سخن در این باره فراوان است اجمالاً بگوییم وجود دشمنان همیشگی قسم خورده ما را نیازمند همیشگی وحدت کرده است. اقدامات دشمنان قابل مشاهده است و زخم کهنه تفرقه و تشتت‌گرایی تاکنون قربانیان زیادی را از امت اسلامی گرفته است و دشمن در این تشتت‌آفرینی‌ها سودهای بسیار برده است فلذا تلاش کرده و می‌کند به هر طریق ممکن به آن دامن زند.

وی همچنین در خصوص عوامل و زمینه‌های وحدت موارد زیر را تشریح کرد:

۱- تقوایی‌گی: همانطور که قبل از این گفتیم از مسلمانان و پیش از آن از مومن انتظار بیشتری برای وحدت‌گرایی می‌رود چون واجد ویژگی‌هایی است که همگرایی در او بیشتر ظهور و بروز دارد. بنابراین نیازمند آن هستیم که بیش از پیش جنبه‌های ایمانی و اسلامی را در خود تقویت کنیم و مراتب و سطوح آن را در خود بیفزائیم. در نقطه مقابل خباثت‌ها و بی‌تقوایی‌ها خود منشأ اختلاف‌گزینی است.

۲- رفتار (تعاملات) مطلوب: تعاملات مطلوب زمینه را برای وحدت‌گرایی فراهم خواهد ساخت.

تشریح عواید و آثار شایسته وحدت، تشریح عواقب و پیامدهای سوء تفرقه و اختلاف‌گزینی، تشریح نمونه‌های عینی و ملموس از وحدت‌گرایی و تفرقه‌گزینی، بیان حقایق جامعه اسلامی و اقدامات دشمنان اسلام و مسلمانی و ... از جمله عوامل و زمینه‌های دیگر برای تقویت وحدت است که نیز می‌توان به آن اشاره کرد و در این مجال فرصتی برای ارائه آنها نیست. خداوند توفیق دهد در جلسه‌ای دیگر به تشریح بیشتر و بهتر وحدت از دیدگاه حضرت امیر پردازیم زوایای پنهان و ناپیدایی فراوان دیگری مانده که نیازمند تشریح و تبیین هستند. آنچه گفته شد خود شروعی برای سخن از وحدت بود. قاعدتاً چند جلسه دیگر نیاز داریم که عمیق شویم و زوایای وجودی وحدت را بشکافیم و به تشریح آن پردازیم. وحدت در چه سطحی، تا کجا، با چه کسی، چگونه، تا چه حد و ... همه اینها سؤالاتی است که نیاز به پاسخ دارد و ما در این زمانه به شدت به آن نیازمندیم. خداوند متعال مجالی دهد دگر بار در نشستی دیگر به این سؤالات نیز پاسخ دهیم.

ان‌شاء الله



«نقدی بر ترجمه‌های کنایات در نهج البلاغه»

مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام با همکاری دانشگاه قرآن، سخنرانی «نقدی بر ترجمه‌های کنایات در نهج البلاغه» (مطالعه موردی عبارات لاابالک و لابالغیرک) را در تاریخ ۹ مهر ۹۷ برگزار کرد که چکیده سخنرانی دکتر پوران میرزایی از نظرتان می‌گذرد:

«وجود صنایع ادبی اعم از اصطلاحات و مجازها در متون، هر چند مایه شیرینی و زیبایی کلام است، اما گاه دستیابی به معنای دقیق آن‌ها، امری ساده نیست. به ویژه در اصطلاحات مرکب، کشف معانی و مفاهیم، همواره از حاصل جمع جبری و ساده معانی مفردات به دست نمی‌آید؛ از این‌رو کاربرد آنها در متون روایی، از جمله نهج البلاغه، موجب دیریابی مراد معصوم علیه السلام گشته است. دو عبارت کنایی «لا اَبالک» و «لا اَبالغیرک» از جمله این اصطلاحات هستند که تنها از معنای اجزای مرکب و سپس کنار هم نهادن آن‌ها نمی‌توان به مراد جدی امام علیه السلام دست یافت؛ بلکه فهم مقصود ایشان، ناگزیر از توجه به قرآینی همچون سیاق کلام، فضا و سبب صدور و ... است. عدم توجه به این مهم، مسئله‌ای است که بسیاری از ترجمه‌های نهج البلاغه بدان مبتلا هستند و جایگزینی معادل‌های نامناسب در آن‌ها، شبهه «وجود الفاظ دشنام‌گونه در کلام امیرالمومنین علیه السلام» را به اذهان متبادر می‌سازد. فرایند علمی حاضر، ضمن بررسی و نقد ترجمه‌های معاصر، در پی زدایش این شبهه، سعی دارد با در نظر گرفتن مفهوم این عبارات در سده اول و دوم؛ همنشینی و سیاق عبارات نهج البلاغه؛ فضای سیاسی - اجتماعی پیش و پس از صدور این متون و نیز شرایط مخاطبان، معادل‌های صحیح امروزی این دو عبارت را بیابد که محصول آن دستیابی به مفهیمی به غیر از دشنام یا نفرین، نظیر تبعید و تعجب همراه با نكوهش است که در ادبیات امروز باید با واژگانی همچون «ای غافلان، واغفلتا، غفلت تا کجا!، واعجبا، دشمنان مغلوب باد و ...» جایگزین شود.»



گزارش نشست ادبیات کودک و نوجوان:

«پژوهش، خلق و نشر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان»



نخستین نشست تخصصی ادبیات کودک و نوجوان با عنوان «پژوهش، خلق و نشر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان» به همت پژوهشگاه زبان و ادبیات، ۱۶ مهرماه ۱۳۹۷ مقارن با روز جهانی کودک در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. دبیر علمی نشست، دکتر مریم شریف‌نسب و مهمانان نشست، دکتر مریم جلالی (عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهیدبهشتی)، دکتر مرجان فولادوند (نویسنده و پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان)، مهندس سیدرضا کتروبی (مدیرعامل انتشارات فنی ایران) و جمعی از اعضای پژوهشگاه، شورای کتاب کودک، دانشجویان و... بودند.

دکتر مریم شریف‌نسب، دبیر علمی نشست، در آغاز برنامه پدیدآورنده آثار کودک و نوجوان، پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان و ناشر تخصصی آثار کودک و نوجوان را سه راس مثلث ادبیات کودک و نوجوان خواند و بیان داشت: «برای بهبود وضعیت ادبیات کودک و نوجوان باید ارتباط وثیقی میان این سه رأس به وجود بیاید؛ ارتباطی که متأسفانه در ساختار امروز ادبیات کودک ایران وجود ندارد».

دکتر مریم جلالی در پاسخ به این پرسش که اساساً در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، چه نوعی از پژوهش وجود دارد، گفت: بطور کلی سه نوع پژوهش در این حوزه قابل تصور است: «نخست پژوهش‌هایی که بر اساس نیاز سنجی صورت می‌گیرد و قصد دارد خلأهای موجود را پر کند؛ دوم پژوهش‌هایی که بر اساس ذوق و سلیقه شخصی پژوهشگر انجام می‌شود؛ و سوم پژوهش‌هایی که مبتنی بر یک تئوری و برای انطباق دادن آن تئوری با متن کودک و نوجوان انجام می‌شود».

در ادامه، مرجان فولادوند در پاسخ به این پرسش که در حال حاضر ارتباط نویسندگان آثار کودک با حوزه پژوهش چگونه است، بیان کرد: «متأسفانه ارتباط چندانی میان پدیدآورندگان و پژوهشگران در این حوزه وجود ندارد؛ زیرا بسیاری از نویسندگان اعتقاد دارند خلق ادبی، مبتنی بر الهام و شهود است و دانایی، الهام را مختل می‌کند! از نظر این افراد، نوشتن حاصل جوشش است نه کوشش و لذا دلیلی برای افزایش آگاهی و دانایی خویش نمی‌بینند».

مهندس سیدرضا کتروبی نیز در پاسخ به ارتباط ناشران کودک و نوجوان با پژوهش‌های آکادمیک در این حوزه، گفت: «متأسفانه بسیاری از پژوهش‌های دانشگاهی، مدرک‌محور هستند نه کاربردی و بطور کلی گرهی از مشکلات کودک، نشر و جامعه باز نمی‌کنند. به‌رغم این، ظرفیت استفاده از پژوهش‌های کاربردی در ناشران (بویژه نشر نردبان) وجود دارد، همچنان که در انتشارات نردبان تمامی کتاب‌های سبز (در حوزه محافظت از محیط زیست) و کتاب‌هایی که مهارت‌های زندگی را به کودکان می‌آموزد، با مشاوره متخصصان و بر اساس پژوهش‌های پیشین تألیف شده است».



بررسی جایگاه نرخ تورم مصرف کننده در نظام آماری کشور

سوم مهرماه ۹۷ نشست علمی-تخصصی گروه پژوهشی جامعه و امنیت با موضوع «بررسی جایگاه نرخ تورم مصرف کننده در نظام آماری کشور» با ارائه دکتر جواد حسین زاده برگزار شد.



در این نشست علمی ابتدا محمدعلی مینایی، مدیر کرسی‌های مطالعات راهبردی گروه پژوهشی جامعه و امنیت و دبیر نشست، پس از تسلیت شهادت جمعی از هموطنانمان در فاجعه تروریستی و ناجوانمردانه اهواز ضمن اشاره به اهمیت آمارها در معرفی شرایط اجتماعی و اقتصادی، گفت: «مرکز آمار ایران مسئول اصلی اعلام نرخ تورم در کشور است. امری که نرخ تورم مصرف کننده نیز از آن مستثنی نیست. با این حال، ادراک عمومی با آمار اعلامی از سوی مرکز آمار در این زمینه تفاوت جدی دارد. چنین شکافی اعتماد عمومی جامعه نسبت به دستگاه‌های سیاست‌گذار و اجرایی و برنامه‌ریز کشور را کاهش می‌دهد و این بخشی از کاهش امنیت در جامعه را رقم می‌زند. در این جلسه تلاش می‌شود تا به این مسئله پاسخ علمی و دقیق داده شود.»

در ادامه دکتر جواد حسین‌زاده ضمن بررسی مفهوم تورم آن را چنین تعریف کرد: «تورم وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد». وی با اشاره به اهمیت موضوع تورم و اینکه باید دستگاهی متولی رصد و پایش وضعیت آن در کشور باشد، توضیح داد: «در فرآیند توسعه، همراه با رشد و توسعه اقتصادی و گسترش دامنه فعالیت‌های بانک مرکزی و نیز فرآیند تخصصی شدن امور در کشورهای مختلف، و به خصوص عزم جهانی برای کنترل تورم توسط سیاست‌های پولی و مالی وظیفه ثبات تورمی در دستور کار بانک‌های مرکزی قرار گرفته و تولید آمار تورم به مراکز آماری واگذار شده است و در قوانین مراکز آماری دنیا هم وظیفه تهیه حساب‌های ملی و شاخص قیمت به طور شفاف به عهده این مراکز گذاشته شده است. به طور کلی شاخص تورم در زمره انواع شاخص‌های قیمت تولید شده در مرکز آمار ایران است و در این میان شاخص قیمت مصرف کننده خود متشکل از شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای کل کشور، شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای شهری، شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای روستایی و همچنین شاخص قیمت به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای است.» حسین‌زاده در ادامه به بررسی تفاوت ادراک عمومی در رابطه با آمارهای منتشره پرداخت و خاطر نشان کرد: «معمولاً مردم احساس نامتقارنی نسبت به تورم دارند و دلیل آن این است که معمولاً مردم در محاسبات ذهنی خود به اقلامی که اخیراً افزایش قیمت شدیدی داشته‌اند نسبت به اقلامی که قیمت آن‌ها ثابت مانده و یا کاهش داشته‌اند، وزن بیشتری می‌دهند. درحالی که در محاسبات رسمی، وزن همه اقلام مستقل از نوسانات قیمت (افزایش یا کاهش) در طول زمان ثابت و بدون تغییر می‌ماند.» در پایان محمدعلی مینایی، ضمن ارائه جمع‌بندی نهایی جلسه، با اشاره به اینکه میان ادراک عمومی و آمارهای اعلام شده نوعی شکاف و فاصله وجود دارد، تلاش دستگاه‌های آماری به منظور روشن کردن سازوکارهای علمی تولید آمارهای مختلف برای افکار عمومی را امری مهم در راستای صیانت از اعتماد عمومی به نهادهای سیاست‌گذار در کشور برشمرد.



گزارش نشست

«کارگروه تدوین دومین برنامه راهبردی پژوهشگاه»

دومین نشست کارگروه تدوین دومین برنامه راهبردی پژوهشگاه هفتم مهر ماه برگزار شد. در این نشست، دکتر قبادی با اشاره به تأثیر برنامه راهبردی بر رشد فعالیت پژوهشی، از جمله افزایش سرانه تولید مقالات به ۱/۶، رشد ترویجی سازی پژوهش، رشد نظریه پردازی، روزآمدبودن مجلات علمی-پژوهشی (برگزیده شدن ماهنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی در جشنواره فارابی و نمایه شدن بین المللی چندین مجله دیگر پژوهشگاه) و همچنین ثبت پژوهشگاه به عنوان یکی از مؤسسات پژوهشی در طرح تراز بین المللی، تأکید کرد که برنامه دوم راهبردی باید شاخص مندتر باشد. دکتر قبادی ضمن اشاره به اینکه معاونت فرهنگی و اجتماعی، باید به مسائل فرهنگی به ویژه در حوزه دانشجویی و مسائل عام تر مسئله مندانه نگاه کند، مهم ترین سرمایه پژوهشگاه را سرمایه انسانی دانست که با گفتگو و ادبیات سازگار و نزدیک به هم توانایی های آن به فعلیت می رسد.

در ادامه دکتر قنبرلو، مدیر تحصیلات تکمیلی، با تأکید بر اینکه پژوهشگاه ها و مؤسسات ملزم به داشتن برنامه و بودجه ریزی مبتنی بر برنامه هستند، گفت: «چارچوب جدید برنامه راهبردی دوم پژوهشگاه مبتنی بر اسناد مهمی از جمله برنامه وزیر علوم، اساسنامه پژوهشگاه و سیاست های کلی برنامه ششم است که باید بدان توجه شود تا برنامه عملیاتی مبتنی بر راهبردها و سیاست ها برای پنج سال آینده استخراج شود».

در این نشست سایر اعضا نیز نظرات خود را مطرح کردند و مقرر شد پژوهشکده ها و مراکز مختلف پژوهشگاه نمایندگان ثابتی را برای حضور در جلسات معرفی کنند و درباره کلیات برنامه راهبردی به بحث و تبادل نظر پردازند.



گزارش کرسی ترویجی: «رویکرد ژانری در مطالعات تاریخ ادبی»

به همت دفتر کرسی‌های نظریه‌پردازی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری شورای بررسی متون، ارائه و نقد ایده علمی نشست «رویکرد ژانری در مطالعات تاریخ ادبی» با حضور دکترسید مهدی زرقانی (ارائه دهنده)، دکتر حبیب اله عباسی (ناقد)، دکتر محمود بشیری (ناقد) و دکتر محمدرضا موحدی (مدیر علمی کرسی) در روز ۲۱ شهریورماه در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد.



در ابتدای نشست، دکترسید مهدی زرقانی (ارائه دهنده)، تعریفی از ژانر ارائه کرد و گفت: «عمومی‌ترین تعریف ژانر عبارت است از «تعدادی متن که در یک طبقه قرار می‌گیرند و از قواعد زبانی یکسانی پیروی می‌کنند». سه کلمه کلیدی این تعریف عبارتند از «تعدد، اشتراک و تمایز». یعنی باید «تعدادی» متون باشد تا ما از ژانر سخن بگوییم؛ یک اثر، یک ژانر پدید نمی‌آورد. دوم اینکه آن تعداد از متون که در یک طبقه قرار می‌گیرند، از جهت ویژگی‌های فرمی، محتوایی، کارکرد، انگیزه خلق اثر و مخاطب اولیه وجوه شباهتی دارند. ویژگی‌های مشترک آنها مرزی قراردادی و ذهنی میان این «طبقه» از متون با دیگر متونی که

این ویژگی‌ها را ندارند، ترسیم می‌کند. همچنین دکتر زرقانی به شاخص‌های تعیین ژانری و مسائل اصلی رویکرد ژانری پرداخت. در ادامه دکتر عباسی ضمن تشکر از برگزارکنندگان نشست گفت: نقدی که وارد است اینکه، کتاب برای مخاطب دانشجوی مبتدی ادبیات مفید نیست. همچنین ژانر شاهانه با آنچه دکتر شفیع کدکنی از آن تعریف می‌کند تفاوت دارد و در پایان نقد خود سوالی را اینگونه مطرح کرد؛ چرا ژانر ادبی و چرا نوع ادبی نه؟

دکتر زرقانی در پاسخ به این انتقاد گفت: «نظر من بیشتر به محتوای ادبی و به ژانرهاست و در پاسخ به سوالی که اشاره کردید چرا ژانر به جای نوع ادبی؟ باید بگوییم؛ ژانری که بنده مطرح می‌کنم تعریفش با آنچه در ذهن ما از کلمه و اصطلاح نوع ادبی است، متفاوت است. ژانر را به کارمی‌برم چون احساس می‌کنم ژانر با این تعریف که ارائه می‌دهم، صورت قالب اندازه دارد لذا با نوع ادبی تخیلی می‌شود و با آنچه رزمجو در مورد انواع ادبی می‌گوید، فرق دارد».

همچنین دکتر بشیری (ناقد) ضمن تشکر از دکتر زرقانی به سبب دادن نظم و طبقه بندی به کارشان که به فهم بیشتر مطالب کمک می‌کند به دو نکته از نقد خود افزود: «اول؛ شما بحث را خیلی محدود کردید. وقتی قرار است تاریخ ادبیات با نگاه ژانری باشد پس تکلیف زبان و جنبه‌های دیگر چه می‌شود و چه چیز کم می‌شود در تاریخ ادبیات یعنی تحولات فکری و مؤلفه‌هایی که فکر را زینت می‌دهد. دوم؛ در ادبیات قسمت اصلی اش زبان است و در بحث شما این معنی دیده نمی‌شود». دکتر بشیری افزود: «فرقی بین ژانر یا نوع یا فرم را در این مقاله نتوانستم استخراج کنم و اینکه بلاغت و زبان در مطالعات ادبی چه نقشی دارد باید در اثر ملحوظ می‌شد. اینکه قدا چنین کردند و ما باید چنان کنیم و اینکه رویکرد ژانری همه مشکلات ما را در بررسی‌های تاریخ ادبی حل می‌کند، چنین نیست».

دکتر زرقانی ضمن تشکر از دکتر بشیری که دغدغه‌مندانه به ارائه مطلب پرداختند به مسئله توهم پرداخت و اشاره کرد: «من در کتاب به تفصیل گفته‌ام که نوشتن تاریخ ادبیات با این رویکرد کار یک نفر یا کار یک یا دو سال نیست. غرض من این که بگوییم این دیدگاه هم هست و با این زاویه فقط برخی از مسائل تاریخ ادبیات ما روشن تر بشود. اینکه اشاره کردید باید به بلاغت پرداخت من تصور نمی‌کنم که در تاریخ ادبیات نباید پاسخگو باشم که چرا عبید زاکانی موش و گربه نامیده است؛ و در تاریخ ادبیات مسئله چیزی دیگری است از طرفی تعریفی که من از تاریخ ادبیات ارائه می‌دهم با تعریفی که دکتر بشیری از تاریخ ادبیات ارائه می‌دهند تفاوت دارد اما اینکه یک نوع از تعریف این است و با این تعریف هم می‌شود تاریخ ادبیات نوشت را قبول دارم در مورد کتابهای احسان یار شاطر باید بگوییم؛ رویکردها ژانری است و من امیدوارم همان دیدگاه و همان طرز فکر به تاریخ ادبیات ما ارائه شود». در پایان نشست، دکتر موحدی (مدیر علمی کرسی) ضمن تشکر از حضار، اساتید و ناقدین به جمع بندی بحث پرداخته و عنوان کرد: «دکتر زرقانی تلاش می‌کرد در کتاب، مقاله، سخنرانی و خطابه‌شان تعریفی از ژانر ارائه دهند و سعی در این داشتند که بگویند رویکرد ژانری بر آن است تا با عنایت به یکسری پرسش‌های معین، قدرت تحلیل به پژوهشگر ادبی بدهد». در پایان نشست، حاضرین نیز سوالات خود را مطرح کردند.



بازدید دانشجویان و همکاران پژوهشگاه از موزه ملی ایران و موزه آگینه

در راستای آشنایی پژوهشگران و کارشناسان علوم انسانی با تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، معاونت فرهنگی-اجتماعی پژوهشگاه با هماهنگی به عمل آمده با سازمان گردشگری و میراث فرهنگی برنامه بازدید از مجموعه موزه ملی ایران و موزه آگینه را در روز شنبه ۲۸ مهر ماه ۱۳۹۷ فراهم کرد.

در این بازدید که با حضور تعدادی از دانشجویان و همکاران پژوهشگاه انجام شد، حضاران ابتدا با آثار و گنجینه مجموعه موزه ملی ایران شامل موزه ایران باستان و موزه دوران اسلامی آشنا شدند. در موزه ایران باستان که سر در آن با الهام از طاق کسرای ساسانی طراحی شده است، در دو طبقه آثار هزاره پنجم پیش از میلاد تا پایان دوران ساسانی به نمایش گذاشته شده بود. در ساختمان مجزایی از موزه ملی ایران نیز، موزه دوران اسلامی قرار داشت که همراهان از گنجینه دوره های مختلف بعد از اسلام بازدید کردند.

در بخشی دیگری از این برنامه از موزه آگینه که در خانه قدیمی قوام السلطنه (سیاست مدار اواخر دوران قاجار و اوایل دوره پهلوی) قرار دارد و در آن مجموعه‌ای از سفال‌ها و شیشه‌ها از دوران های مختلف تاریخ گردآوری شده است، بازدید به عمل آمد. نمای بیرونی ساختمان و طراحی داخلی این موزه نیز، با تلفیق معماری ایرانی و اروپایی، بنایی ماندگار را به جا گذاشته که مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.



انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی
دکتر مسعود رضایی به سمت مدیر دفتر نظارت و ارزیابی پژوهشگاه؛
دکتر یدالله رفیعی به‌عنوان رئیس واحد نشر و ویرایش پژوهشگاه؛
دکتر عبدالرحمن حسنی فر را به‌عنوان رئیس پژوهشکده تاریخ ایران؛
دکتر حمید تنکابنی را به‌عنوان رئیس پژوهشکده مطالعات اجتماعی؛
دکتر علیرضا منصوری را به‌عنوان رئیس پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی؛
دکتر معصومه نعمتی قزوینی را به سمت مدیر گروه پژوهشی تحقیقاتی ادبی در موضوعات مختلف؛
دکتر سعید ناجی را به سمت مدیر گروه پژوهشی فلسفه برای کودکان و نوجوانان فبک؛
دکتر سید جواد میری را به سمت مدیر گروه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛
دکتر سید آیت الله میرزایی را به سمت مدیر گروه جامعه شناسی تاریخی ایران؛
دکتر فرانک جهانگرد را به سمت مدیر گروه پژوهشی پژوهش‌های بنیادین؛
دکتر علیرضا شعبانلو را به سمت مدیر گروه پژوهشی ادبیات و کاربردی‌های اجتماعی؛
مهندس حسن فقیه عبدالهی را به سمت معاون مرکز اسناد فرهنگی آسیا؛
دکتر نعمت الله فاضلی را به عضویت در کمیسیون تخصصی علوم اجتماعی؛
دکتر شهرام یوسفی فر را به عضویت در کمیسیون تخصصی علوم اجتماعی؛
دکتر یدالله دادگر را به عضویت در کمیسیون تخصصی علوم اجتماعی؛
دکتر ناهید مؤید حکمت را به سمت ریاست کمیسیون تخصصی علوم اجتماعی؛
دکتر فرهاد زیویار را به عنوان عضو شورای سیاستگذاری طرح اعتلای علوم انسانی؛
و دکتر مریم قبادی را به عنوان مسئول دبیرخانه جذب اعضای هیأت علمی؛
منصوب کرد.



گزارش جلسه دفاعیه هانی اشرفی (دانشجوی دکتری فلسفه دین)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

موضوع: نقد الهیات متافیزیکی و بررسی امکان شکل‌گیری الوهیتی پسامتافیزیکی از منظر هایدرگ متأخر

استادان راهنما: دکتر علی اصغر مصلح، دکتر امیر مازیار

استاد مشاور: دکتر مهدی معین‌زاده

استادان داور: دکتر زهره معماری، دکتر احمدعلی حیدری، دکتر محمدتقی طباطبایی

این جلسه در روز چهارشنبه ۲۱ شهریور ماه با حضور هیأت داوران رساله و تعدادی از دانشجویان و مدعوین در سالن دفاعیه دانش ساختمان تحصیلات تکمیلی برگزار گردید. دانشجو در مدت ۴۰ دقیقه به ارائه گزارش و دفاع از رساله خود پرداخت که برخی از نکات مطرح شده به شرح ذیل است:

رساله حول دغدغه معنا‌باختگی انسان معاصر شکل گرفته که آن را معلول مرگ خداوند به مثابه بنیاد معنابخش حیات انسان می‌داند. از این رو رساله بر اساس دو پرسش بنیادی شکل می‌گیرد. اول آنکه چرا خداوند مرد؟ و ثانیاً: زندگی معنا‌باخته پس از او را چگونه زیست کنیم؟ برآنیم تا این پرسشها را از رهگذر تامل در آثار هایدرگ متأخر بازخوانی نماییم. بدین منظور و بر اساس خوانش هایدرگ و نقد رادیکال وی از سنت متافیزیکی به سه پرسش کلیدی می‌رسیم که سه فصل اصلی رساله سعی دارند از منظر هایدرگ متأخر به آنها پاسخ گویند. اول (فصل ۲): جایگاه الوهیت در تفکر متافیزیکی چیست؟ دوم (فصل ۳): پیامدهای تلقی متافیزیکی از الوهیت چیست؟ و سوم (فصل ۴): چه امکانی برای الوهیتی پسامتافیزیکی می‌توان متصور بود.

فصل ۲ با مقدمه‌ای بر تطور معنای متافیزیک نزد هایدرگ تلاش می‌کند نشان دهد به چه معنا هایدرگ متافیزیک را انتوتولوژی یا هستی-خداشناسی می‌داند. متافیزیک با تمرکز بر هستندگان و غفلت از هستی به مثابه فرایند آشکارگی، از دوجهت به بررسی هستندگان می‌پردازد، یکی از جهت پیستی و دیگری از جهت بودگی. این دو بعد هستنده‌انگاری در افلاطون و با نظریه عالم مثل آغاز شده و در دوگانه موفه-متحرک بودن ارسطویی بسط پیدا می‌کند و کاملترین هستنده در سر رشته اعلامی این نظام قرار می‌گیرد. در قرون وسطی این دوگانه تحت عناوین وجود و ماهیت طرح می‌شوند و خدای کتاب مقدس در موقف این کاملترین هستنده انتوتولوژی یونانی قرار داده می‌شود تا الاهیات متافیزیکی سامان پذیرد. خداوند به مثابه کامل‌ترین موجود، واجب الوجود، علت العلل، فعلیت محض و ... همه ناشی از ابتدای الاهیات ادیان بر متافیزیک یونانی هستند.

در فصل ۳ بررسی می‌کنیم که این خدای متافیزیکی چگونه در دوره مدرن و خودآگاهی سوژه اندیشنده به ذات خویش بسط پیدا می‌کند و خودش را به مثابه یکی از تصورات دکارتی در می‌یابد که نیازمند اثبات برای تداوم حیات است. وقتی سوژه خود را به مثابه بنیاد هستندگان در می‌یابد، و وقوف پیدا می‌کند که ریشه خداوند متافیزیکی در عقلانیت وی است، دیگر جایگاه آن خداوند به مثابه بنیاد تضعیف می‌شود و می‌بایست از آزمون براهین اثبات خداوند سربلند بیرون آید. در ادامه این بسط عقلانیت و ظهور روشنگری، خداوند متافیزیک هرچه بیشتر افول می‌کند و با تردید بیشتری به او نگریسته می‌شود. در اینجاست نیچه به مثابه بسط نهایی ظرفیت متافیزیک ظهور پیدا می‌کند و با بر ملا کردن ریشه عقلانیت به مثابه اراده معطوف به قدرت، کل جهان فراحسی افلاطونی را تلاش برای قالب زدن و متوقف نمودن صیوررت اراده برمی‌شمرد تا بتواند نوعی سیستم‌سازی و وحدت‌آفرینی و معنابخشی نماید. با سرنگونی جهان فراحسی و متافیزیک افلاطونی است که نیچه مرگ خدا را اعلام می‌کند. گویی که خداوند متافیزیکی از اساس مرده به دنیا آمده بود زیرا معلول همین اراده معطوف به قدرت بود. این بسط منطقی درونمایه همین خدا بود که منجر به مرگ وی شد نه آنکه نسیان و طغیان انسانها او را به زیر کشید. پیامد چنین جهان بدون خدایی زیستن انسان در معنا‌باختگی و بی‌خانمانی خواهد بود که تعبیری از همان نیهیلیسم معاصر است و به زعم هایدرگ با فراروی از متافیزیک، امکان نجات از آن می‌تواند تجلی پیدا کند.

در فصل ۴، بر آنیم تا از امکان شکل‌گیری الوهیتی پسامتافیزیکی پرسش کنیم. در این راستا و با فرا رفتن از هستنده‌انگاری، به دنبال یافتن خدای هستنده‌ای جدید نیستیم بلکه می‌خواهیم الوهیت را به مثابه بعد الوهی هستی یا قدسیت هستی تبیین نماییم.



در اینجاست که هستی به مثابه رخداد را نزد هایدگر باید فهم کنیم. هستی فرایند از مستوری به نامستوری آمدن است که پیش از آشکارگی، خود اختفا را تقدم ذاتی می‌دهد. این اختفا به مثابه امکانهای نه هنوز آمده یا جهانهای فروپوشیده بر ما مستور است و در افق تاریخی انسان است که همین مستوری، یکایک آشکارگی‌ها یا جهان‌های انتولوژیک را به ما اعطا می‌کند یا بر ما می‌گشاید. به همین جهت مستوری به مثابه اعطاکننده جهان‌های انتولوژیک یا افق‌های معنا، بعد قدسی هستی یا امر مقدس است. آنچه هایدگر از واپسین خدا مراد می‌کند همین حیث الوهی هستی است که قابل تثبیت کردن در هستنده نیست بلکه گذرندگی تاریخی دارد و نمی‌تواند در قالب موجودی با صفات و اسمای مشخص متعین شود. چون امر مقدس مستور است و هنوز در جهان، صورت‌بندی نشده است پس زبان معمول نیز برای آن مفهوم‌سازی نکرده و لذا نیازمند رویکرد دیگری به زبان برای سخن گفتن ایجابی از امر مقدس هستیم. این رویکرد دیگر را هایدگر شعر می‌نامد که هیچ قرابتی با معنای زیبایی شناختی یا استتیکتی ندارد. بلکه شعر فرایند زایش افق معنا از مستور یا همان زبانیدن زبان را در خود دارد. شعر به معنای اثر هنری، کشاکش آشکارگی جهان با مستوری زمین است که خود فرایند نامستوری را بصورت استعلایی مطمح نظر دارد و برای همین یک پا در آشکارگی و پای دیگر در اختفا می‌نهد. به بیان هایدگر در شعر نامستوری به درون مستوری پس می‌کشد یا به بیان روشن تر از زبان آشنای ما می‌آغازد و در ایهام معنایی ما را به سوی امر مسکوت دلالت می‌کند. اینجاست که هایدگر از همسایگی شعر و تفکر سخن می‌گوید. یعنی بعد سلیبی رویکرد به امر مقدس دوشادوش بعد ایجابی آن است که می‌تواند ما را به سوی آن رهنمون شود. هولدرلین شاعری است که هایدگر با خوانش آثار او سعی دارد امر قدسی در شعر را پدیدارشناسی کند. هایدگر در تشریح ساختاری تحت نام چهارگان، متشکل از زمین، آسمان، میرندگان و خدایان سعی دارد یک آنتی پارادایم برای جهان تکنولوژیک و تحت سیطره گشتل ارائه کند که در آن همه هستندگان به لحاظ انتولوژیک دارای اهمیت اگزستانسیال یا هستی‌شناسانه‌ای و رای بهره‌کشی به مثابه منابع هستند. چهارگان نوعی هارمونی مقدس است که در آن نسبت‌های هستی‌شناختی تاریخی حاکم بوده و بعد الوهی به مثابه بنیاد معنابخش تجلی پیدا می‌کند. در مصاحبه اشپیگل هایدگر تحت عنوان نجات به دست خدایی، بار دیگر تأکید می‌کند که امر قدسی نه در کسوت یک خداوند متعین بلکه به صورت بعد یا حیث الوهی هستی می‌تواند انسان را از نیهیلیسم نجات دهد. البته تجلی امر قدسی در دست انسان استراتژیست قرار ندارد بلکه با کسب آمادگی در تفکر و شاعری است که امکان چرخش تقدیرتاریخی فراهم شده و تجلی الوهیت در زیست جهان انسان می‌تواند محقق گردد.

پس از خطابه دانشجو، استادان داور به بیان نظرات خویش پرداختند:

دکتر حیدری، داور خارجی رساله، ضمن تقدیر از موضوع رساله و دغدغه‌مندی و اصیل بودن پرسش آن، با توجه به تحصیل در آلمان و اشراف به زبان آلمانی، نکات ارزنده ای درباره واژه‌گزینی‌ها متذکر شد که حتی در زبان انگلیسی نیز چندان مورد توجه واقع نشده است. به‌علاوه معتقد بود که فلسفه صدرایی را باید از فلسفه سینوی از حیث متافیزیکی بودن تفکیک کنیم و به سادگی نمی‌توان پذیرفت که فلسفه صدرایی نیز در حوزه متافیزیک قرار می‌گیرد. همچنین وی اشاره مطلوبی به مفهوم فوگ در کتاب مساهمت هایدگر داشت و اینکه این ساختار چگونه به شکل‌گیری ایده واپسین خدا منجر شده است.

دکتر معماری، استاد داخلی رساله، ضمن تقدیر از موضوع و پرداخت متن و جامعیت رویکرد رساله، معتقد بود بهتر است فصل چهارم در نسبت با فصل دو و سه، حجم چشمگیرتری داشته باشد و رساله بیشتر حول همان فصل متمرکز شود. به‌علاوه معتقد بود معنای امر مقدس باید در مقدمه بیشتر ایضاح شود تا باعث ابهام خواننده متن نگردد. وی همچنین برخی نکات ویرایشی را جهت تصحیح در متن یادآور شد.

دکتر معین‌زاده استاد مشاور رساله، با ارزیابی مثبت از رساله و روشن بودن ساختار متن و همچنین نطق دفاع، پیشنهاد کرد در یک پژوهش تکمیلی نظر هایدگر متقدم (چنانکه در رساله پدیدارشناسی زندگی دینی آمده است) با رویکرد متأخر وی نسبت به الوهیت بررسی تطبیقی شود. وی همچنین معتقد بود ترجمه انگلیسی پرویز عماد از رساله افادات دقیق تر بوده و نزدیکی بیشتری به متن آلمانی دارد.

دکتر طباطبایی، یکی دیگر از استادان خارجی رساله، ضمن تقدیر از این رساله این پرسش را طرح کرد که وظیفه بشر کنونی آیا انفعال محض است یا برنامه‌ریزی برای ظهور الوهیت؟ همچنین معتقد بود اگر دامنه پژوهش در رساله به جای کل تفکر هایدگر متاخر بر یک متن مشخص صرف متمرکز و محدود می‌شد شاید تدقیق بیشتری در موضوع صورت می‌گرفت. سپس دانشجو ضمن پذیرش مشکل واژه‌گزینی ترجمه هایدگر در زبان فارسی، آن را معلول درگیری ما با چهار زبان آلمانی، انگلیسی، عربی و فارسی دانسته و تکرر سلیقه‌های متخاصم را علت مضاعف این نابسامانی می‌داند. وی معتقد است که لازم است تا تشکلهایی از اساتید و پژوهشگران زبده و نیز مترجمین مطرح جهت توافق در معادل‌یابی‌ها و بسط زبان فارسی در بعد فلسفی صورت پذیرد تا انسجام بیشتری در متون ترجمه شده را شاهد باشیم. در خصوص فلسفه صدرایی، دانشجو معتقد است که آنچه صدرا وجود می‌نامد همان خارجیت صرف یا فعلیت محض یا اگزستانسیالی قرون وسطی است که ریشه در انتوتولوژی افلاطونی-ارسطویی دارد.



به همین جهت کاملاً معطوف به هستندگان بوده و به لحاظ معنایی هیچ اشتراکی با آنچه هایدگر از هستی یا وجود مراد می‌کند نخواست و در نتیجه صدرا نیز در متافیزیک باقی خواهد ماند. اگرچه تامل در فلسفه صدرایی خارج از گستره این رساله بوده و صرفاً به عنوان یک نکته جانبی که در آینده نیاز به پژوهش بنیادی دارد ذکر شده است.

در خصوص نسبت حجم فصل چهارم به دو فصل دیگر، دانشجو بیان کرد با توجه به اینکه موضوع اساساً دویخشی است و نقد الاهیات متافیزیکی را لازمه و شالوده طرح پرسش از الوهیت پسمتافیزیکی می‌داند، بنابراین پرداختن نیمی از رساله بدان برای کسب آمادگی ورود به فصل چهارم ضروری بوده است. در خصوص انفعال یا فعالیت بشر امروزی، هایدگر رویکردی بسیار ظریف و دشوار دارد. بشر امروز نباید منفعل باشد ولی از سویی نباید گمان برد که با برنامه ریزی و ایجاد استراتژی می‌تواند امر الوهی را وادار به تجلی کند. انسان امروز صرفاً می‌تواند در تفکر و شاعری کسب آمادگی کند تا زمینه را برای چرخش تقدیر و ظهور الوهیت آماده نماید و به انتظار تجلی آن باشد. در خصوص دامنه موضوع رساله دانشجو معتقد است تا جغرافیای کلی بحث هایدگر متاخر که در آثار متعدد وی پراکنده شده روشن نشود، متمرکز شدن بر یک متن صرف برای واکاوی معنای الوهیت نمی‌تواند راهگشا باشد و فروکاست‌گرا خواهد بود و دور هرمنوتیکی جزء و کل لازم است در این موضوع نیز پیاده شود.

گزارش جلسه دفاعیهٔ احمد رضا هنری (دانشجوی دکتری حکمت متعالیه)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷ / ۰۶ / ۱۴

موضوع: بررسی مبانی حکمی نمادها در هنر ایرانی اسلامی براساس حکمت صدرایی

استاد راهنما: دکتر طاهره کمالی‌زاده

استاد مشاور: دکتر ایرج داداشی

استادان داور: دکتر مریم صانع پور، دکتر هادی ربیعی، دکتر سعید انواری

این جلسه در روز چهارشنبه ۱۴ شهریور ماه در سالن دفاعیه مدیریت تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (ساختمان کریمخان) برگزار گردید. دانشجو در مدت بیست دقیقه به ارائه گزارش و دفاع از رساله خود پرداخت که برخی از نکات مطرح شده به شرح ذیل است:

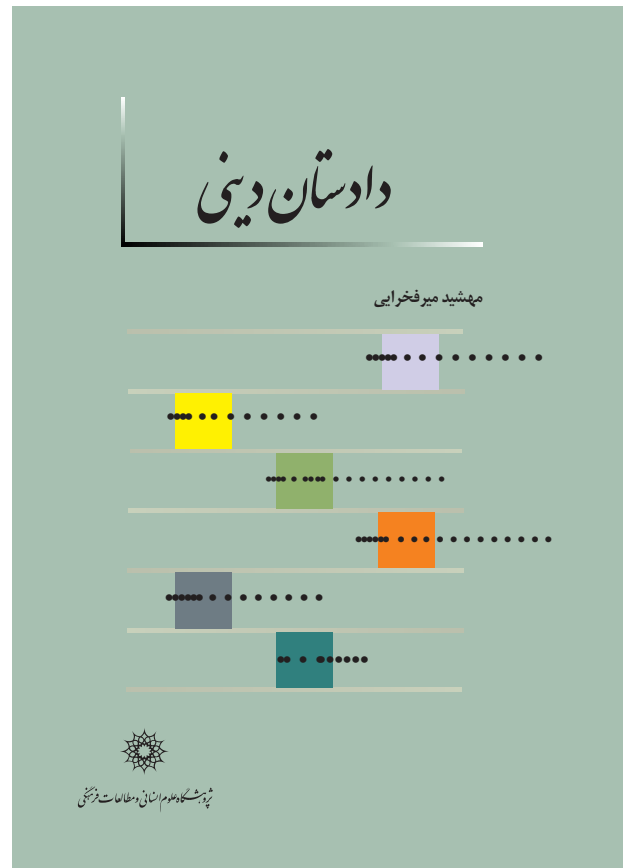
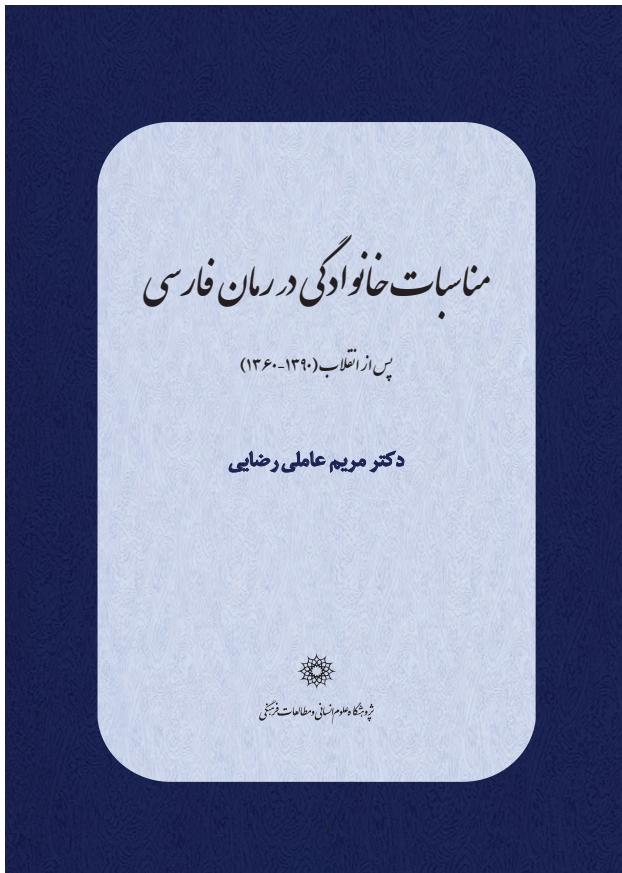
ایشان در ابتدا به تبیین ساختار پژوهش پرداخته و با توجه به ایرادات مطرح شده در جلسه پیش دفاع تمرکز خود را بر روی اصلاحات اعمال شده و تغییرات صورت گرفته قرار داد. در بخش اول که مربوط به کلیات پژوهش بود بیان مسأله، سوالات و فرضیه‌ها و پیشینه پژوهش تبیین گردید. فصل اول از بخش دوم مربوط به رمز و رمزپردازی بود که وی در این رابطه به بحث رمز و تمثیل اشاره کرد و پس از تبیین انواع تمثیل، تمثیل رمزی را مرادف با رمز و یکی از اقسام آن دانست. پیرامون فصل دوم این بخش نیز وی فقط به ذکر این نکته اکتفا نمود که غرض از پرداختن به این بحث از این جهت بوده که هنر اسلامی ایرانی یکی از جلوه‌گاه‌های اصل رمزپردازی است. ایشان در رابطه با فصل اول از بخش سوم به تبیین شواهدی پرداخت که سازگاری اصل رمزپردازی را با حکمت متعالیه نشان می‌دهد. در فصل دوم این بخش نیز وی مبانی حکمت صدرایی را به سه قسم هستی‌شناسی، جهان‌شناسی و معرفت‌شناسی تقسیم نمود و در هر بخش مبانی مربوطه را مطرح و تبیین نمود. وی به این نکته نیز اشاره کرد که برخی از مبانی مربوط به اصل رمزپردازی است و برخی نیز مربوط به کشف رمز است و از آنجا که اساساً رمز بدون کشف رمز معنایی نخواهد داشت لذا همهٔ آنها به عنوان مبانی رمزپردازی مورد توجه هستند. در انتها نیز وی به بیان نتایج حاصله از این پژوهش پرداخت که یکی از آنها استفاده از مبانی حکمت صدرایی در تحلیل رمزهای به کار گرفته شده در عرصه ادبیات و هنرهای سنتی اسلامی ایرانی است. پس از اتمام گزارش دانشجو، استادان به بیان نظرات خود پرداختند:

در ابتدا دکتر انواری یکی از داوران رساله از تغییرات و اصلاحات انجام شده ابراز رضایت نموده و پژوهش را دارای انسجام بیشتری نسبت به قبل دانست. وی چند نکتهٔ اصلاحی را نیز مطرح کرد. در ادامه دکتر ربیعی یکی دیگر از داوران رساله، ضمن بیان احساس رضایت از روند پژوهش، اصلاحاتی را نیز مطرح کرد.

در پایان، هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹/۵ و درجهٔ عالی به رسالهٔ دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشتهٔ حکمت متعالیه تشخیص دادند.



کتاب‌های جدید منتشر شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی:



رتوریک

از نظریه تا نقد

محمد احمدی

خطابه

ارتباطات

اقناع

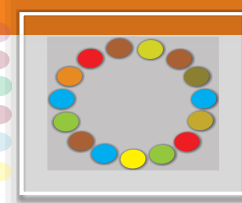
بلاغت

سخنوری

لفاظی



پوهنساخا علوم انسانی و مطاعات فرنگی



داستان‌هایی برای پرورش فکر

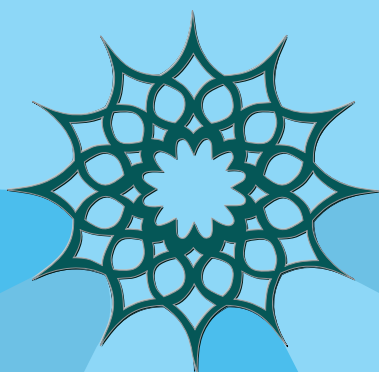
(کتاب سوم)

جکی اسکات

ترجمه سیده مبینا شاهری لنگرودی



پوهنساخا علوم انسانی و مطاعات فرنگی



شرحی از تاریخ سغد

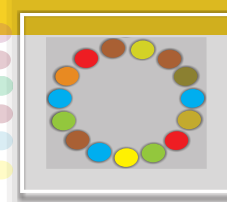
اولگا ایوانوونا اسمیرنوا

ترجمه

لیلا زین شه



پوهنساخا علوم انسانی و مطاعات فرنگی



داستان‌هایی برای پرورش فکر

(کتاب دوم)

جکی اسکات

ترجمه سیده مبینا شاهری لنگرودی



پوهنساخا علوم انسانی و مطاعات فرنگی



علوم انسانی، تولید و صنعت

Conference on Humanities, Production and Industry

مهلت ارسال چکیده مقالات: ۱۵ آذر
 آخرین مهلت ارسال اصل مقالات: ۱ دی
 اعلام نتایج داوری: ۱۵ دی
 آخرین مهلت ثبت نام در همایش: ۱ اسفند



علوم انسانی

حقوق، تاریخ، علوم سیاسی، فرهنگ، اقتصاد، مدیریت، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، اخلاق



تاریخ برگزاری: ۵ و ۶ اسفند ماه ۱۳۹۷

مکان برگزاری:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مرکز همایش‌های سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران

شماره تماس دبیرخانه: ۰۲۱۸۸۶۱۲۸۷۳-۰۲۱۸۸۰۶۸۲۷۷

آدرس دبیرخانه: تهران، بزرگراه کردستان، خیابان دکتر صادق آئینه‌وند (خیابان ۶۴ غربی) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تارنمای همایش: hiconf.ihcs.ac.ir

آدرس پست الکترونیکی: humanities.industry2018@gmail.com

مدیرمسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سر دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، شهرام اصغری، صادق کیا و سعیده زندی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

کانال سروش: @pajoheshgah